

بازدید شد
۱۳۸۲



و مائع السی

خرارن امان

میرک

بازرسی شد
۶ - ۳۲

کتابخانه مجلس شورای ملی		
نام کتاب: <i>و مائع السی</i>		
مؤلف: <i>خرارن امان</i>		شماره دفتر
موضوع تالیف		۲۲.۸۳۴
۹۵۲۴		۱۰۴۳۴

مجلس فهرست شده
۹۵۲۴



ملک کے علم و الحاح و اس کی



نصیر علی عالم اصل او پیدا شد

[illegible]

سید احمد علی

توفي في شهر ربيع الأول سنة ١١٠٥ هـ الموافق لـ ١٠٣٩ م في مدينة بغداد
 ولادة في سنة ١٠٣٩ م في مدينة بغداد
 ودفن في مقبرة الكاظمين في مدينة بغداد
 في سنة ١١٠٥ هـ الموافق لـ ١٠٣٩ م في مدينة بغداد
 في سنة ١١٠٥ هـ الموافق لـ ١٠٣٩ م في مدينة بغداد

1710

مالین ملطی انکانو پوس انکاس بقراطیس اقلیدس صوری بار فرطیس

و در روزی که احوال ایشان پیشرفت می نماید و او را که از کار خدایم اندوخته را برانینیا

و بعدا که تو را عذر و اشتد و بواسطه و تو عذر عار است از تو به کار و ارشاد

ش: "چه کار کنم که با او دوست شوم؟"

[illegible]

که در دست ایشان است و بدانند و نورانی بگویند و محمد است و علی الهدی

هر از این مجموع منهای هر یک باشد و شتمال است و اولی بهای هر یک و هر یک و هر یک

رمان عمر بر شیت گویند مع سقو تگو و خلایق و این سفر میل است به اصحاب لغوی باب

و ذرا عن اعمام دویم حلقی هم مذکور است و در این حلقه حضرت علی علیه السلام و اولاد حام و سام و مافیت و طاهر

و در صفا مار و خلیه تازه و رو بخورایم علی الاصول و صفا و فقه و ادب و اسرار و سحر

الحمد لله الذي جعل في كل شيء حكمة

و در اینجاست که نور و حیات را می بینیم و تصور دارا می شود و علم از حدش فراتر می رود

سید و پیم و لاد یعقوب و ادریس علیی و ورا کاج ۱۲۱۱ هجری قمری سال شد یعقوب و ادریس علیی

صبر يوسف عليه السلام وجمع احواله الخيرة وسمي احواله صبر يوسف احواله عام مشهود بعد اربع

اور اوز والہ شہوت و بھار و سفر الاخا را و اورا و یقیر کو بند و بھار و سفر عدد و اورا

شدید کو نہ دیکھا اور نہ پہچان سکا۔

وَقَالَ هَٰذَا مِثْلُ مِمَّا خَلَتْ
فَوَدَّ أَنَّ هَٰذَا لَمَّا خَلَتْ

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

مورد تسلیم علیه بران نویانه نوزیر را پیشین اول کوینده معراج کتاب الفی سحرهای جلایا و

الحاج محمد باقر

18

سفر استوار من و بعد نوش من و صحنه من علیہ السلام و معارف اینوشع گفته شود

سفر القضاء در احوال قضایان و علما و ارباب و عرفان شفق کیم کنید

سفر راجعوت المواصبه و مواصبیه مشهور معروفه ۱۵۱۰

سفر جمیل الاول و این سفر اول سفار ملوک است در احوال است

سفر صموئیل الثاني واسم ذکر ملوک طبعه نایب اند

سف ملوك المالت وبتن عم ابيير اول ملوك

سفر الملوك الرابع وپس عزرا يمين

مسعود ايام الاول في درجته و درجته

سفراء احوال العزرا، كاهن

سفر نهما و این ثانیه عذرا است

سفطوبيا

سفر یهودیت

سید الشیخ داود کمالی

سيف و النوب صديق الملام وعالم الفضيل

سید ابوالفضل میرزا علی محمد خان در روز سه شنبه ۱۲۰۶

وَأَمَّا مَا كَانَ عَلَى الْكُفَرَاءِ مِنْ نَارٍ فَكَانَ سَعِيرًا



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

و از محضر این معتمد معلوم شد که تاریخ انعقاد این محفل بابت در نظر گرفته شد اما ضابطه آن در دسترس نیست

که مجموع او دیده که نور در آنجمله جدا کرده در یک مجله جدا شده بود و نظر صحیح که در میان
ما اهل اسلام انعام و لطف و کثرت اهل طاعت کاه محرومان و در غیر الطاهر

الاشارة

سفر الحامد و معراج او را مشتمل نمایند

سفر الحامد و معراج او را قهلت گویند

سفر نشد الاشتاد سلیم مع شواجر سلیم علیه السلام و معراج هشیوم گویند

حکمة يشوع سيراخ القول الفاتح

نبوة اشعيا

نبوة ارميا

بشیرت مع مرثیه های ارمیا بعد از آنکه به ایلان سر شدند و او را تسلیم مجور زکای گشت

شیرت حضرت موسی علیه السلام بنیاد و علیه السلام فرات شد و قربان و غیر میکیل از سلیم چنان بود در آن

لهذا ان مان که میکلم نور خراب شد فرمانه لاهو نیز بر طه و ف شد

سلوت ارمیا بنیاد غیرت نیز به لاهو خفت

نبوت باروخ

نبوت خرقیا

نبوت دانیال

نبوت هوشع

نبوت یوئال

نبوت عاموس

نبوت عوبدیا

نبوت یونان یعنی حضرت موسی علیه السلام بنیاد و علیه السلام

نبوت یحیا

نبوت ناحوم

نبوت حقیق که در نظر دارد و در نبوت است

صلوة حقیق و النبى على المحاللات

نبوت حجي

نبوت زخريا

نبوت ملاخيا

سفر المقایس الاول

سفر المقایس الثاني

و تمام شد مجله نامه توریید و ملحوظ است ارمیا که در توریید که الفول از توریید است

احرم نوح حام سام یافت ابرهیم لوط امحق یعقوب یوسف

یوشع عزرا نحمیا طویاس اوب داور یشوع سیر اشعیا ارمیا

باروخ خرقیا دانیال هوشع یوئال عاموس عوبدیا یونان موسی

یحیا ناحوم حقیق حجي زخريا ملاخيا و اکثر از آنجا تا بر سر امطالو غایب است

[illegible]

[illegible]

ذكر ملوك الموصل.

Handwritten text in Arabic script, likely a manuscript page. The text is written in a cursive style and is partially obscured by a large, irregular, light-colored stain or tear in the center of the page. The visible text appears to be a list or a series of entries, possibly related to a historical document or a collection of records.

مروج الذهب
 ذكر الادوية وما قاله الناس في اقسامهم وعددها كلهم وقارخ سببهم وروم منسوبها وباقية
 احوالها وما روم كروم باحق من روم اهل علقاب العسل اسمي ارضهم وتوحيها كواكبهم واهلها
 بل ليطبق في حقان يافق من يوربد من جهول من يوربد من رباط من نواز من ديان الاصغر من العسل

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible]

سلطان محمد باقر
سلطان محمد خدابنده

۶۰۹
۶۰۸
۶۰۷

۶۰۶
۶۰۵
۶۰۴

۶۰۳
۶۰۲
۶۰۱

۶۰۰
۵۹۹
۵۹۸

۵۹۷
۵۹۶
۵۹۵

۵۹۴
۵۹۳
۵۹۲

۵۹۱
۵۹۰
۵۸۹

۵۸۸
۵۸۷
۵۸۶

۵۸۵
۵۸۴
۵۸۳

۵۸۲
۵۸۱
۵۸۰

فوق تاریخ الانبیاء و ائمه الهدی صلوات الله علیهم و علی آله و سلم و علی جمیع السلاطین از تاریخ هجری به بعد
 از عید ادم صلی الله علیه و آله و سلم تا روز و ماه و سال ۶۹۹۵ از بنا کعبه معقله زواله
 شرقا و تقطیع اشرف از و منتهی و در سال ۶۸۸۲ از تولد خاتم نبوت حضرت ادریس علیه السلام
 - چند بخار و پنج سال ۵۰۵ از ولادت فتح علیا علیه السلام و در روز و ماه و سال ۵۱۹۸ از وفات
 آن حضرت چهار روز و ششصد و هشتاد و هفت سال ۶۷۸ از عید حضرت ابراهیم خلیل صلوات الله
 علیه و آله و سلم تا روز و ماه و سال ۳۸۴ از ولادت اسحق علیه السلام سه روز و ششصد و هشتاد و چهار سال
 ۶۷۵ از ولادت یوسف علیه السلام سه روز و ششصد و هشتاد و چهار سال ۳۷۹۴ از ولادت موسی علیه السلام
 سه روز و ششصد و هشتاد و پنج سال ۳۵۵ از زمان موسی علیه السلام سه هزار و سه سال ۳ از زمان نوح
 حکیم و در روز و منتهی و هشتاد سال ۲۷۸۰ از بنا بیت المقدس و در روز و منتهی و پنج سال ۲۵۵
 از عید یسوع علیه السلام و در روز و منتهی و هشتاد و شش سال ۲۳۸۶ از عید جاس حکیم و در روز و منتهی و شصت و سه سال ۲۳۰۹
 سال ۱۸۵ از ولادت علی علیه السلام ۱۵۱۱ از عید ائمه هدی علیه السلام ۱۵۰۹ از عید یسوع علیه السلام ۱۵۰۲ از عید یسوع علیه السلام
 از ولادت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ۱۵۰۰ از هجرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ۱۴۸۰ از بنا کعبه معقله زواله
 آن حضرت علیه السلام و خلافت ابوبکر ۹۶۵ از خلافت عمر ۹۶۹ از خلافت عثمان ۹۵۶ از ولادت علی علیه السلام
 ۵۱۱ از وفات آن حضرت ۴۴۵ از ولادت امام حسن علیه السلام ۴۷۸ از وفات آن حضرت ۴۵۱ از ولادت
 امام حسین علیه السلام ۴۱۷ از وفات آن حضرت ۴۲۵ از ولادت امام زین العابدین علیه السلام ۴۴۳ از وفات آن
 امام ۳۸۸ از ولادت امام محمد باقر علیه السلام ۳۴۳ از وفات آن حضرت ۲۷۷ از ولادت امام جعفر صادق علیه السلام
 ۲۴۴ از وفات آن حضرت ۲۸۸ از ولادت امام موسی کاظم علیه السلام ۲۵۳ از وفات آن حضرت ۱۸۸ از ولادت
 علی بن موسی الرضا ۱۲۸ از وفات آن حضرت ۱۷۸ از ولادت امام محمد تقی علیه السلام ۱۲۸ از وفات آن حضرت
 ۱۲۵ از ولادت امام حسن مکرری علیه السلام ۲۵۵ از وفات آن حضرت ۱۵۱ از ولادت امام محمد باقر علیه السلام
 ۵۷۵ از خروج ابراهیم و هاجر ۱۸۸ از ولادت امام شافعی ۱۸۸ از وفات امام شافعی ۱۸۸ از وفات امام شافعی
 ابویوسف و ولادت امام شافعی ۱۸۸ از وفات امام شافعی ۱۸۸ از وفات امام شافعی ۱۸۸ از وفات امام شافعی
 الیاسمانی از ولادت ابراهیم و هاجر ۱۸۸ از ولادت امام شافعی ۱۸۸ از وفات امام شافعی ۱۸۸ از وفات امام شافعی
 اخر ۵۵۵ از وفات شیخ ابوعلی سینا ۵۵۵ از ولادت ابوبکر ۵۸۱ از ولادت سلطان سلجوق

۶۰۹
۶۰۸
۶۰۷
۶۰۶
۶۰۵
۶۰۴
۶۰۳
۶۰۲
۶۰۱
۶۰۰
۵۹۹
۵۹۸
۵۹۷
۵۹۶
۵۹۵
۵۹۴
۵۹۳
۵۹۲
۵۹۱
۵۹۰
۵۸۹
۵۸۸
۵۸۷
۵۸۶
۵۸۵
۵۸۴
۵۸۳
۵۸۲
۵۸۱
۵۸۰

رجاء سال نامه به خط خاندان سلطانی

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
و الصلاه علی سیدنا محمد و آله الطاهرین
و علیهم السلام
و بعد
اینکه در سال نامه به خط خاندان سلطانی
در روز یکشنبه و در ماه ربیع الثانی
در سال ۱۰۸۰
در شهر تبریز
در روز یکشنبه
در ماه ربیع الثانی
در سال ۱۰۸۰
در شهر تبریز
در روز یکشنبه
در ماه ربیع الثانی
در سال ۱۰۸۰
در شهر تبریز

سید محمد علی
نایب السلطنه

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
و الصلاه علی سیدنا محمد و آله الطاهرین
و علیهم السلام
و بعد
اینکه در سال نامه به خط خاندان سلطانی
در روز یکشنبه و در ماه ربیع الثانی
در سال ۱۰۸۰
در شهر تبریز
در روز یکشنبه
در ماه ربیع الثانی
در سال ۱۰۸۰
در شهر تبریز
در روز یکشنبه
در ماه ربیع الثانی
در سال ۱۰۸۰
در شهر تبریز

سید محمد علی
نایب السلطنه

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
و الصلاه علی سیدنا محمد و آله الطاهرین
و علیهم السلام
و بعد
اینکه در سال نامه به خط خاندان سلطانی
در روز یکشنبه و در ماه ربیع الثانی
در سال ۱۰۸۰
در شهر تبریز
در روز یکشنبه
در ماه ربیع الثانی
در سال ۱۰۸۰
در شهر تبریز
در روز یکشنبه
در ماه ربیع الثانی
در سال ۱۰۸۰
در شهر تبریز

سید محمد علی
نایب السلطنه

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
و الصلاه علی سیدنا محمد و آله الطاهرین
و علیهم السلام
و بعد
اینکه در سال نامه به خط خاندان سلطانی
در روز یکشنبه و در ماه ربیع الثانی
در سال ۱۰۸۰
در شهر تبریز
در روز یکشنبه
در ماه ربیع الثانی
در سال ۱۰۸۰
در شهر تبریز

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
و الصلاه علی سیدنا محمد و آله الطاهرین
و علیهم السلام
و بعد
اینکه در سال نامه به خط خاندان سلطانی
در روز یکشنبه و در ماه ربیع الثانی
در سال ۱۰۸۰
در شهر تبریز
در روز یکشنبه
در ماه ربیع الثانی
در سال ۱۰۸۰
در شهر تبریز
در روز یکشنبه
در ماه ربیع الثانی
در سال ۱۰۸۰
در شهر تبریز

[illegible][illegible][illegible][illegible][illegible][illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

عولاسها ملكا اشتريه كفي رسي و نه نازنه ما كحوا نفعه فله ما و ده هم ساجد الى الحكيم

سال هشتم چهارم
حسن است و از این سال هاشم در همدان و همدان

سال هشتم و پنجم
حسن است و از این سال هاشم در همدان و همدان

سال هشتم و پنجم
حسن است و از این سال هاشم در همدان و همدان

سال هشتم و پنجم
حسن است و از این سال هاشم در همدان و همدان

سال هشتم و پنجم
حسن است و از این سال هاشم در همدان و همدان

سند ق

محمد بن محمد بن ابی طالب...
محمد بن محمد بن ابی طالب...
محمد بن محمد بن ابی طالب...

سنة تا

سال احمد بن محمد بن ابی طالب...
سال احمد بن محمد بن ابی طالب...
سال احمد بن محمد بن ابی طالب...

سال احمد بن محمد بن ابی طالب...
سال احمد بن محمد بن ابی طالب...
سال احمد بن محمد بن ابی طالب...

سنة تا

سال احمد بن محمد بن ابی طالب...
سال احمد بن محمد بن ابی طالب...
سال احمد بن محمد بن ابی طالب...

سنة ١٢٠٠

خروج عبد الواحد هو در کفر و غیبت و بیرون رفتن از شهر و بیرون رفتن از شهر و بیرون رفتن از شهر

سابقہ

[illegible]

سندھ کا

[illegible]

سندھ کا

[illegible]

صد و هشتاد و هشت
در نام صد و هشتاد و هشت از این که در این کتاب مذکور است

صد و هشتاد و نهم
در نام صد و هشتاد و نهم از این که در این کتاب مذکور است
صد و نود
در نام صد و نود از این که در این کتاب مذکور است
صد و نود و یک
در نام صد و نود و یک از این که در این کتاب مذکور است

صد و نود و دو
در نام صد و نود و دو از این که در این کتاب مذکور است

صد و نود و سه
در نام صد و نود و سه از این که در این کتاب مذکور است
صد و نود و چهار
در نام صد و نود و چهار از این که در این کتاب مذکور است

و این کتاب از کتابهای معتبره است که در این علم بسیار مشهور است و در این کتاب از کتابهای معتبره است که در این علم بسیار مشهور است

مقدمه و این کتاب از کتابهای معتبره است که در این علم بسیار مشهور است و در این کتاب از کتابهای معتبره است که در این علم بسیار مشهور است

مقدمه

مقدمه و این کتاب از کتابهای معتبره است که در این علم بسیار مشهور است و در این کتاب از کتابهای معتبره است که در این علم بسیار مشهور است

مقدمه و این کتاب از کتابهای معتبره است که در این علم بسیار مشهور است و در این کتاب از کتابهای معتبره است که در این علم بسیار مشهور است

و این کتاب از کتابهای معتبره است که در این علم بسیار مشهور است و در این کتاب از کتابهای معتبره است که در این علم بسیار مشهور است

مقدمه و این کتاب از کتابهای معتبره است که در این علم بسیار مشهور است و در این کتاب از کتابهای معتبره است که در این علم بسیار مشهور است

مقدمه و این کتاب از کتابهای معتبره است که در این علم بسیار مشهور است و در این کتاب از کتابهای معتبره است که در این علم بسیار مشهور است

حدود هفتاد و هشت فی صفا فی فرام بر دست رشید و نصیر و شجاع و شست
در حوض امان الضعیفی المصروف مع حد و لایزال است و بنا بر معوماته ظاهر باشد

حدود هفتاد و نه فی صفا فی فرام بر دست رشید و نصیر و شجاع و شست
در حوض امان الضعیفی المصروف مع حد و لایزال است و بنا بر معوماته ظاهر باشد

مشتاد
حدود هفتاد و نه فی صفا فی فرام بر دست رشید و نصیر و شجاع و شست
در حوض امان الضعیفی المصروف مع حد و لایزال است و بنا بر معوماته ظاهر باشد

در حوض امان الضعیفی المصروف مع حد و لایزال است و بنا بر معوماته ظاهر باشد
در حوض امان الضعیفی المصروف مع حد و لایزال است و بنا بر معوماته ظاهر باشد
در حوض امان الضعیفی المصروف مع حد و لایزال است و بنا بر معوماته ظاهر باشد

حدود هفتاد و نه فی صفا فی فرام بر دست رشید و نصیر و شجاع و شست
در حوض امان الضعیفی المصروف مع حد و لایزال است و بنا بر معوماته ظاهر باشد

و در معتمد خلیفه متاسی و در حقیقت قاضی و ما بین ...
 صدایه من هر روز از شبها و با القیاس او و جعفر صدایه الما و من ...
 صدایه المنصور بن محمد بن علی بن صدایه بن العباس و فی الخلافة بعدا ...
 من فاضل بن موسی بن علی بن موسی و فی حقیقت رج و له حقه ...
 بطریق منظر الخلیفه المنصور بن محمد بن علی بن صدایه ...
 طاهر بن و العباس بن جعفر و استخلاف بن صدایه و منتهی ...
 سینه و در حقیقت

در دویست و پنجم سال ...
 در دویست و پنجم سال ...
 در دویست و پنجم سال ...

و حقیقت حضرت امام محمد تقی علیه السلام در دویست و پنجم سال ...
 الاثنی عشر فی یوم الفلک الحسن خلون من ذی الحجه ستمین و ما بین این ...
 کلین و در دویست و پنجم سال ...
 در دویست و پنجم سال ...
 تا او اگر چه از دویست و پنجم سال ...
 الخلاف بر روی خود و از این معتمد بر روی خود ...
 فوت خلاد بن خالد بن از دویست و پنجم سال ...
 در دویست و پنجم سال ...
 در دویست و پنجم سال ...
 در دویست و پنجم سال ...
 در دویست و پنجم سال ...

در دویست و پنجم سال ...
 در دویست و پنجم سال ...
 در دویست و پنجم سال ...

سال دویست و پنجم ...
 در دویست و پنجم سال ...
 در دویست و پنجم سال ...

در دویست و پنجم سال ...
 در دویست و پنجم سال ...
 در دویست و پنجم سال ...
 در دویست و پنجم سال ...
 در دویست و پنجم سال ...
 در دویست و پنجم سال ...
 در دویست و پنجم سال ...
 در دویست و پنجم سال ...
 در دویست و پنجم سال ...
 در دویست و پنجم سال ...

در دویست و پنجم سال ...
 در دویست و پنجم سال ...
 در دویست و پنجم سال ...

در روز دوشنبه ۱۴۹
در روز دوشنبه ۱۴۹

عبدالله بن طاهر و الامام در رویت و سی و دو و حاکم چهارم بود و بعد از طاهر بن عبدالله بن طاهر و حاکم
شد در رویت و چهل و هشت و یک خلیفه بن حیات المعرفه و شباب صاحب الطبیقات معتبر و در کتابها
عنه الحارثی و غیره در رویت و سی و دو و حاکم
احمد بن الحارثی و الحارثی بن احمد در رویت و سی و دو و حاکم
در رویت و سی و دو و حاکم

محمد بن زیاد و الحارثی بن احمد و الحارثی بن احمد و الحارثی بن احمد و الحارثی بن احمد
یوسف بن یحیی و یحیی بن یحیی و یحیی بن یحیی و یحیی بن یحیی و یحیی بن یحیی
و حاکم و حاکم و حاکم و حاکم و حاکم و حاکم و حاکم و حاکم و حاکم و حاکم
و حاکم و حاکم و حاکم و حاکم و حاکم و حاکم و حاکم و حاکم و حاکم و حاکم

در روز دوشنبه ۱۴۹

و الحارثی بن احمد و الحارثی بن احمد و الحارثی بن احمد و الحارثی بن احمد
و الحارثی بن احمد و الحارثی بن احمد و الحارثی بن احمد و الحارثی بن احمد
و الحارثی بن احمد و الحارثی بن احمد و الحارثی بن احمد و الحارثی بن احمد
و الحارثی بن احمد و الحارثی بن احمد و الحارثی بن احمد و الحارثی بن احمد

و الحارثی بن احمد و الحارثی بن احمد و الحارثی بن احمد و الحارثی بن احمد
و الحارثی بن احمد و الحارثی بن احمد و الحارثی بن احمد و الحارثی بن احمد
و الحارثی بن احمد و الحارثی بن احمد و الحارثی بن احمد و الحارثی بن احمد
و الحارثی بن احمد و الحارثی بن احمد و الحارثی بن احمد و الحارثی بن احمد

در پنج من بلیان من عبدالمبارک بن کامل و در وقت عصر صاحب شافعی معاصر بنی و وزیر و این حکم صادر
 شد و در وقت هفتاد و دو در وقت
 احمد بن محمد بن یحیی الکاظم صاحب کتاب الفرائد در مائین و سبعین و این حکم
 احمد بن محمد بن یحیی الکاظم صاحب کتاب الفرائد در مائین و سبعین و این حکم
 در وقت هفتاد و دو در وقت هفتاد و دو در وقت هفتاد و دو در وقت هفتاد و دو
 احمد بن محمد بن یحیی الکاظم صاحب کتاب الفرائد در مائین و سبعین و این حکم
 احمد بن محمد بن یحیی الکاظم صاحب کتاب الفرائد در مائین و سبعین و این حکم
 احمد بن محمد بن یحیی الکاظم صاحب کتاب الفرائد در مائین و سبعین و این حکم
 احمد بن محمد بن یحیی الکاظم صاحب کتاب الفرائد در مائین و سبعین و این حکم

محمد بن صالح بن عبدالحق بن الموفق بن کبیر و کان قد مات بیکه سنة و ثمان مائین

اما در وقت هفتاد و یکم از تاریخ سلطنت شاه جهان در وقت عصر صاحب شافعی معاصر بنی و وزیر و این حکم صادر
 شد و در وقت هفتاد و دو در وقت
 احمد بن محمد بن یحیی الکاظم صاحب کتاب الفرائد در مائین و سبعین و این حکم
 احمد بن محمد بن یحیی الکاظم صاحب کتاب الفرائد در مائین و سبعین و این حکم
 احمد بن محمد بن یحیی الکاظم صاحب کتاب الفرائد در مائین و سبعین و این حکم
 احمد بن محمد بن یحیی الکاظم صاحب کتاب الفرائد در مائین و سبعین و این حکم

در وقت عصر صاحب شافعی معاصر بنی و وزیر و این حکم صادر
 شد و در وقت هفتاد و دو در وقت
 احمد بن محمد بن یحیی الکاظم صاحب کتاب الفرائد در مائین و سبعین و این حکم
 احمد بن محمد بن یحیی الکاظم صاحب کتاب الفرائد در مائین و سبعین و این حکم
 احمد بن محمد بن یحیی الکاظم صاحب کتاب الفرائد در مائین و سبعین و این حکم
 احمد بن محمد بن یحیی الکاظم صاحب کتاب الفرائد در مائین و سبعین و این حکم

از کوه باین لویه را سرگردان اجود در روز و شب و در تمام اوقات

کتابخانه
موسسه
ایران

نورثا رهبر بن ابی طالب سنیا نوری در دیوبند و نورثا
 ابرهیم بن سعد قاضی شافعی و ابی حمزه غازی در مستور علی

فوت اسمعیل سامانی در عمر دویست و نوزده و بیست و هفت سال و در روز پنجشنبه بیستم ماه ذی القعدة سنه ۴۸۰ و در وقت وفات
چهارصد و سی و یک سال و سی و یک روز و سی و یک ساعت و سی و یک دقیقه و سی و یک ثانیه و سی و یک لحظه و سی و یک کسره و سی و یک
درب فوت مکتفی عباسی در روز دویست و نوزده و بیست و هفت سال و در روز پنجشنبه بیستم ماه ذی القعدة سنه ۴۸۰ و در وقت وفات
چهارصد و سی و یک سال و سی و یک روز و سی و یک ساعت و سی و یک دقیقه و سی و یک ثانیه و سی و یک لحظه و سی و یک کسره و سی و یک
کورد و در روز بیست و نوزده و بیست و هفت سال و در روز پنجشنبه بیستم ماه ذی القعدة سنه ۴۸۰ و در وقت وفات
چهارصد و سی و یک سال و سی و یک روز و سی و یک ساعت و سی و یک دقیقه و سی و یک ثانیه و سی و یک لحظه و سی و یک کسره و سی و یک
نصرت علی در روز بیست و نوزده و بیست و هفت سال و در روز پنجشنبه بیستم ماه ذی القعدة سنه ۴۸۰ و در وقت وفات
چهارصد و سی و یک سال و سی و یک روز و سی و یک ساعت و سی و یک دقیقه و سی و یک ثانیه و سی و یک لحظه و سی و یک کسره و سی و یک

[illegible]

میرزا ابوالفتح درویش و بیت و نوز و شیرین

[illegible]

الصفحة
ابتدأ في سنة
الحمد لله

از دست راست و در دست چپ
از دست چپ و در دست راست
از دست راست و در دست چپ
از دست چپ و در دست راست

[illegible]

جبل
مطابق
ماهورا
دوران
مورخانہ
اولیاد
۱۳۱۵

فوت محمد بن میرزا علی سیصد و نه

ابو محمد محمد بن میرزا علی سیصد و نه خان سیصد و نه کتابی در شریعت جامع نام داشت که بیست و چهار ورقه و
سه سجد و ده و دو شترک از وی بود تا حدین و کتابی در شریعت بود و در سجد و ده و چهار ورقه و شترک

سال صد و دهم

فوت میرزا علی سیصد و دهم

ابو محمد محمد بن میرزا علی سیصد و دهم خان سیصد و دهم کتابی در شریعت جامع نام داشت که بیست و چهار ورقه و
سه سجد و ده و دو شترک از وی بود تا حدین و کتابی در شریعت بود و در سجد و ده و چهار ورقه و شترک

فوت محمد بن میرزا علی سیصد و نهم
ابو محمد محمد بن میرزا علی سیصد و نهم خان سیصد و نهم کتابی در شریعت جامع نام داشت که بیست و چهار ورقه و
سه سجد و ده و دو شترک از وی بود تا حدین و کتابی در شریعت بود و در سجد و ده و چهار ورقه و شترک

سال صد و دوازدهم
فوت میرزا علی سیصد و دوازدهم

(Handwritten note at bottom right)

الحمد لله الذي جعل
العلم من أجل النفع

جمع من طلبة ورواجه من سوادهم من اهل هذه الارض
من الصرط وحرره وكونه من اهل هذه الارض من اهل هذه الارض

این کتب و الفاظ و کلمات الهیه و علمیه و فقهیه و کلامیه و اخلاصیه و عبادیه و
 قوت و عز و جلال و کبریا و در سجد و سب و استغاثه
 هست عجاایه و قوت و عز و جلال و کبریا و در سجد و سب و استغاثه
 است و صاحبان این عباد و صاحبان کون و سجد و استغاثه و حکمای این بیانه شاعران این العباد و صاحبان
 قوت و عز و جلال و کبریا و در سجد و سب و استغاثه و حکمای این بیانه شاعران این العباد و صاحبان
 قوت و عز و جلال و کبریا و در سجد و سب و استغاثه و حکمای این بیانه شاعران این العباد و صاحبان

مردخل ارمق کانتی نرقاورد سید علی شاه مردخل

بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible]

سال صد و شصت و نهم

[illegible]

مستوفی خلیفه است و در عیال و در صد و سی و چهارم سال خلق شد خلق معزالدوله و او را میل کشیدند و در
 خواجه و بیست و هشت ساله بود و در عیال و در صد و سی و چهارم سال رماه خلافت کرد بعد از شوق و بعد از استکفی و بیست و
 شد و معزالدوله بعد از بیست و هشت ساله بر روی تخت نشست و در وقت و سخن کرد و از آنجا رفت و
 رفت و رفت و در دست راست و نشین و نشانی نه بعد از رفت و در شب اول و در سکنی خلیفه را میل کشیدند
 خلافت معزالدوله و او در صد و سی و چهارم سال و شش معزالدوله و در
 القائم باور الله نزار و بیست و هشت ساله بود و در عیال و در صد و سی و چهارم سال حکم کرد و در صد و
 و چهار روز و او حاکم و بیست و هشت ساله و در عیال و در صد و سی و چهارم سال و در عیال و در صد و
 او که شایع است و در صد و سی و چهارم سال و در عیال و در صد و سی و چهارم سال و در عیال و در صد و

طهر و از آنکه در هر چه نقله و عیال و در صد و سی و پنجم سال و در عیال و در صد و سی و پنجم سال

احمد بن ابی القاسم السمری الفقیه و در صد و سی و ششم سال و در عیال و در صد و سی و ششم سال
 شمس الموصوفی و در صد و سی و ششم سال و در عیال و در صد و سی و ششم سال و در عیال و در صد و
 حکم کرد و در صد و سی و ششم سال و در عیال و در صد و سی و ششم سال و در عیال و در صد و
 او که شایع است و در صد و سی و ششم سال و در عیال و در صد و سی و ششم سال و در عیال و در صد و

قاسم بن محمد بن العالی و در صد و سی و هفتم سال و در عیال و در صد و سی و هفتم سال
 ابن محمد بن محمد بن العالی و در صد و سی و هفتم سال و در عیال و در صد و سی و هفتم سال
 الحسن بن محمد بن محمد بن العالی و در صد و سی و هفتم سال و در عیال و در صد و سی و هفتم سال

بگردد دولت از آن در دمار بگردد و منشیان و خدایان در وی

اولی
ارکان
و اولی
صاحب
صاحب

سال سیصد و نود و دو
موت جود صاحب حاج در سید و نود و دو

موت جود صاحب حاج در سید و نود و دو

مبارک و بی شاعر و سید و نود و دو
شاعر و نود و دو در دمار بگردد و منشیان و خدایان در وی

سال سیصد و نود و دو

در سید و نود و دو
موت جود صاحب حاج در سید و نود و دو

موت جود صاحب حاج در سید و نود و دو

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل الدنيا دار فناء
والآخرة دار بقائه

الحمد لله الذي جعل الدنيا دار فناء
والآخرة دار بقائه
والحمد لله رب العالمين

الحمد لله الذي جعل الدنيا دار فناء
والآخرة دار بقائه
والحمد لله رب العالمين

الحمد لله الذي جعل الدنيا دار فناء
والآخرة دار بقائه
والحمد لله رب العالمين

قوت ما و قوت کانی با ضد و شکت و چهار مقدم قوم خود بود و ظاهر جلیب و پش ارسلان نام داشتند
 و در با ضد و شکت و چهار مقدم قوم خود بود و ظاهر جلیب و پش ارسلان نام داشتند
 اسیر علی نام صاحب تمام سلطان خیر الدین محمد بن غار و یکی مدد او ملک ناصر صلاح الدین بن حسن الدین
 و یک کوفت که کجاست و صلاح الدین و بندها ضد و شکت و غور و نه بر شکت و استقلال حکم و سر و کبر
 ملاشد و در با ضد و شکت و غور و نه بر شکت و استقلال حکم و سر و کبر
 مستقیم با کبر و سر و کبر و غور و نه بر شکت و استقلال حکم و سر و کبر
 و در با ضد و شکت و غور و نه بر شکت و استقلال حکم و سر و کبر

المنجد با تقایو الملقه یوسف بن الملقه بعد از پدر حکم شد و با بر و ترقی و صاحب کتات یازده ساله شد
 کور و در میان آن سست و شکر و حضا و کب و خلیفه سی و دویم بود و بعد از او سخی خلیفه شد و
 با ضد و شکت و غور و نه بر شکت و استقلال حکم و سر و کبر
 ابو یوسف بن الملقه بعد از یوسف بن الملقه بن محمد بن الملقه بن الطاهر بن الحاکم بن العزیز بن الملقه بن
 بنو القایم اند و لغز مشکین سزا و پدید بن شد و القاب بود و در شنج و سحالی بود در شب چهارم و در شنج
 حلال میدانست در با ضد و شکت و غور و نه بر شکت و استقلال حکم و سر و کبر
 و با ضد و شکت و غور و نه بر شکت و استقلال حکم و سر و کبر
 الملقه است و یوسف بن الملقه بعد از پدر حکم شد و با بر و ترقی و صاحب کتات یازده ساله شد

۵۶۵
 در با ضد و شکت و غور و نه بر شکت و استقلال حکم و سر و کبر

قوت قلیان بن یوسف و در با ضد و شکت و غور و نه بر شکت و استقلال حکم و سر و کبر
 قلیان بن یوسف و در با ضد و شکت و غور و نه بر شکت و استقلال حکم و سر و کبر
 هفتاد و شش و یک و قلیان بن یوسف و در با ضد و شکت و غور و نه بر شکت و استقلال حکم و سر و کبر
 خسرو شاه بن یوسف و در با ضد و شکت و غور و نه بر شکت و استقلال حکم و سر و کبر
 الملقه بن یوسف و در با ضد و شکت و غور و نه بر شکت و استقلال حکم و سر و کبر
 یوسف و در با ضد و شکت و غور و نه بر شکت و استقلال حکم و سر و کبر
 یوسف و در با ضد و شکت و غور و نه بر شکت و استقلال حکم و سر و کبر

قوت قلیان بن یوسف و در با ضد و شکت و غور و نه بر شکت و استقلال حکم و سر و کبر
 قلیان بن یوسف و در با ضد و شکت و غور و نه بر شکت و استقلال حکم و سر و کبر
 هفتاد و شش و یک و قلیان بن یوسف و در با ضد و شکت و غور و نه بر شکت و استقلال حکم و سر و کبر
 خسرو شاه بن یوسف و در با ضد و شکت و غور و نه بر شکت و استقلال حکم و سر و کبر
 الملقه بن یوسف و در با ضد و شکت و غور و نه بر شکت و استقلال حکم و سر و کبر
 یوسف و در با ضد و شکت و غور و نه بر شکت و استقلال حکم و سر و کبر
 یوسف و در با ضد و شکت و غور و نه بر شکت و استقلال حکم و سر و کبر

در با ضد و شکت و غور و نه بر شکت و استقلال حکم و سر و کبر
 یوسف و در با ضد و شکت و غور و نه بر شکت و استقلال حکم و سر و کبر
 یوسف و در با ضد و شکت و غور و نه بر شکت و استقلال حکم و سر و کبر

خطب
مستخرج
من
کتاب
الخطب
الکبری

وَشَكَاهُ الْاَئِمَّةُ سَيِّدِي شَاهِدًا وَشَهِيدًا
فِي شَأْنِهِمْ مَوْجِبًا لَهَا وَفَرَارًا لَهَا فَوَاحِلُ
تَامَرٍ مَعْدَا لَيْسَ بِطَرَفٍ يَكُونُ جَنْبًا لَهَا وَخَطْبٌ خَوَانِمْ يُوَدِّدُ شَاهِدًا وَفَرَارًا لَهَا وَفَرَارًا لَهَا وَفَرَارًا لَهَا
خَوَانِمْ يُوَدِّدُ شَاهِدًا وَخَطْبٌ خَوَانِمْ يُوَدِّدُ شَاهِدًا وَفَرَارًا لَهَا وَفَرَارًا لَهَا وَفَرَارًا لَهَا
اَكْبَادُ السَّارِ يُوَدِّدُ شَاهِدًا وَخَطْبٌ خَوَانِمْ يُوَدِّدُ شَاهِدًا وَفَرَارًا لَهَا وَفَرَارًا لَهَا وَفَرَارًا لَهَا
وَسَيِّدِي شَاهِدًا وَخَطْبٌ خَوَانِمْ يُوَدِّدُ شَاهِدًا وَفَرَارًا لَهَا وَفَرَارًا لَهَا وَفَرَارًا لَهَا
اَكْبَادُ السَّارِ يُوَدِّدُ شَاهِدًا وَخَطْبٌ خَوَانِمْ يُوَدِّدُ شَاهِدًا وَفَرَارًا لَهَا وَفَرَارًا لَهَا وَفَرَارًا لَهَا

اسلامك خوار میر کرمان مکران کج و کرکست علم عینی بنا کردن که مشهور را بطلان طایفه و دوی

در کمال شایسته از سلطنت سراج محمد الدین محمد و محمد صالحی اویست و بی عرضی که در مقام است از سکه و دار و ده هزار

أَجْرُ النُّوْنِ وَبِزْدَةِ الْحَسَنِ بْنِ زَيْدٍ لِمَا جَازَ الْفَقِيهُنَّ بِطَاعَةِ الْوَلَدِ وَشَقَى الشَّامُ فِي بَحْرِ الْفَقِيهِتِ تَعْلِيمُ شَائِعٍ وَعِلْمَاءِ
بُزْدَةِ رَسِيدٍ وَازْشَمِ مَسْغُولِ اسْتِغْلَاظِ الْوَلَدِ وَصَفِ دِيْنِيَّاهُ وَبِزْدَةِ رَسِيدٍ وَشَقَى الشَّامُ فِي بَحْرِ الْفَقِيهِتِ تَعْلِيمُ شَائِعٍ وَعِلْمَاءِ
نُورٍ وَصَالِحِيهِ فِي الْفَقِيهِتِ وَبِزْدَةِ رَسِيدٍ وَشَقَى الشَّامُ فِي بَحْرِ الْفَقِيهِتِ تَعْلِيمُ شَائِعٍ وَعِلْمَاءِ
مَعْنَى وَنَحْوِيهِ يُوَدِّدُ شَاهِدًا

فرغ از تصنیف جلد فاشتریح از این دیو الحیدر در ستانه و چهار هفت

قل تو را شاه الملک الصیاد المیرزا علی شاه که در این دیو الحیدر در ستانه و چهار هفت

فرغ از تصنیف جلد فاشتریح از این دیو الحیدر در ستانه و چهار هفت

فرغ از تصنیف جلد فاشتریح از این دیو الحیدر در ستانه و چهار هفت

فرغ از تصنیف جلد فاشتریح از این دیو الحیدر در ستانه و چهار هفت

اینها را می خواند

سلطان کز الدین باریک خواجه بن راق حاجب ملت عشق خان که در شصت و بیست و دو سال

اینکه از سلاطین و پادشاهان و بزرگان و اعیان و اشراف و ارباب و اصحاب و
 و بزرگان و اعیان و اشراف و ارباب و اصحاب و بزرگان و اعیان و اشراف و ارباب و اصحاب و

و بزرگان و اعیان و اشراف و ارباب و اصحاب و بزرگان و اعیان و اشراف و ارباب و اصحاب و

اینکه از سلاطین و پادشاهان و بزرگان و اعیان و اشراف و ارباب و اصحاب و
 و بزرگان و اعیان و اشراف و ارباب و اصحاب و بزرگان و اعیان و اشراف و ارباب و اصحاب و

و بزرگان و اعیان و اشراف و ارباب و اصحاب و بزرگان و اعیان و اشراف و ارباب و اصحاب و
 و بزرگان و اعیان و اشراف و ارباب و اصحاب و بزرگان و اعیان و اشراف و ارباب و اصحاب و

اینکه از سلاطین و پادشاهان و بزرگان و اعیان و اشراف و ارباب و اصحاب و
 و بزرگان و اعیان و اشراف و ارباب و اصحاب و بزرگان و اعیان و اشراف و ارباب و اصحاب و

اینکه از سلاطین و پادشاهان و بزرگان و اعیان و اشراف و ارباب و اصحاب و
 و بزرگان و اعیان و اشراف و ارباب و اصحاب و بزرگان و اعیان و اشراف و ارباب و اصحاب و

و بزرگان و اعیان و اشراف و ارباب و اصحاب و بزرگان و اعیان و اشراف و ارباب و اصحاب و

قاخنی القضاة احمد بن خلکان صاحب تاریخ درستانه و هشتاد و دو خل
تمام کرد خل
در سال هجری ۱۰۰۰

در شصت و هشتاد و دو خل توکاز مدبره ملایک سلطان خواجه که در سال شصت و هشتاد و دو از نرس
انها جان بهی و رفت و از ده سال حکومت کرد و در شصت و هشتاد و دو و بعد از او سلطان خلک
سور غفرش من قضاة این حکم شد و در شصت و هشتاد و دو و بعد از او سلطان خلک
تاز خواجه مصنف تاریخ القضاة درستانه و هشتاد و دو و بعد از او سلطان خلک

از سید و جلالی با شاه و هشتاد و دو خل

قاخنی القضاة احمد بن خلکان صاحب تاریخ درستانه و هشتاد و دو خل
تمام کرد خل
قاخنی القضاة احمد بن خلکان صاحب تاریخ درستانه و هشتاد و دو خل
تمام کرد خل
قاخنی القضاة احمد بن خلکان صاحب تاریخ درستانه و هشتاد و دو خل
تمام کرد خل
قاخنی القضاة احمد بن خلکان صاحب تاریخ درستانه و هشتاد و دو خل
تمام کرد خل

در شصت و هشتاد و دو خل توکاز مدبره ملایک سلطان خواجه که در سال شصت و هشتاد و دو از نرس
انها جان بهی و رفت و از ده سال حکومت کرد و در شصت و هشتاد و دو و بعد از او سلطان خلک
سور غفرش من قضاة این حکم شد و در شصت و هشتاد و دو و بعد از او سلطان خلک
تاز خواجه مصنف تاریخ القضاة درستانه و هشتاد و دو و بعد از او سلطان خلک

احرفان برهوا که کمرش شصت و هشتاد و یک ساله بود اول نام او نکودا و اولی بود و نیز با اسلام شرف
 شد و نام او بعد سلطان احمد شد و زارت او بخوبی شرف الدین بود و دو سال و دو ماه حکومت کرد و در شصت و
 هشتاد و سه اربعین جان بر او خرجه کرد و او را کشت و از غنایان بفاخان بن مولا که در شصت و هشتاد و سه
 حاکم شد و در شصت و هشتاد و یک ساله بود و کتب

خواجه شرف الدین صاحب دیوان بیت و نه سال و زارت پدید و حق و جفا ز غنایان کرده بود در شصت و
 سه اربعین او را بجهت اینکه بفاخان زهر داد و کشت و در عمر و شنبه چهارم شعبان سنه شصت و
 سه و بیست و نه اربعین بود و یکی از مشاهیر و زوایا و در خلاصه بحی و فرج الله و مسعود و انابا بیست
 و سیصد و یکن درجه نواب تریز است

وفات ناصر الدین محمد بن قاضی صابو در سال دوی

از آن شیخ در میان شرح کافیه در تملیه و هشتاد و شش و شصت و هشتاد و نه فوت شد و کنگور شیخ با الدین
 احمد خان برادر هلاکوفان در سنه و هشتاد و شش و هشتاد و هشت و هشتاد و نه فوت شد و کنگور شیخ با الدین
 سید عبدالرحمن که در سنه و هشتاد و هشت و هشتاد و نه فوت شد و کنگور شیخ با الدین
 صاحب دیوان بیت و نه سال و زارت پدید و حق و جفا ز غنایان کرده بود در شصت و
 سه اربعین او را بجهت اینکه بفاخان زهر داد و کشت و در عمر و شنبه چهارم شعبان سنه شصت و
 سه و بیست و نه اربعین بود و یکی از مشاهیر و زوایا و در خلاصه بحی و فرج الله و مسعود و انابا بیست
 و سیصد و یکن درجه نواب تریز است

شیخ علایق اولیسمنا و در ستانه و هشتاد و پنج بنیالدین عبدالرحمن اسد زبانی رسید بخاکس

قراچه از خروسان و سیستک المطلب علایق و ستانه و هشتاد و پنج تا کوه ابراهیم و سرزمین بنار رسید
و کما شایسته برادران و کوه سیستک و کوه سیستک و کوه سیستک و کوه سیستک و کوه سیستک
و کما شایسته برادران و کوه سیستک و کوه سیستک و کوه سیستک و کوه سیستک و کوه سیستک
و کما شایسته برادران و کوه سیستک و کوه سیستک و کوه سیستک و کوه سیستک و کوه سیستک

از دیو و دوات پادشاهان

و اول و نشت عمن پادشاهان در ستانه و هشتاد و پنج و اول و نشت عمن پادشاهان
علایق الدین بن کیمشاد بن کیمشاد و کما شایسته برادران و کوه سیستک و کوه سیستک
و کما شایسته برادران و کوه سیستک و کوه سیستک و کوه سیستک و کوه سیستک
و کما شایسته برادران و کوه سیستک و کوه سیستک و کوه سیستک و کوه سیستک
و کما شایسته برادران و کوه سیستک و کوه سیستک و کوه سیستک و کوه سیستک

کما اولیسمنا و در ستانه و هشتاد و پنج بنیالدین عبدالرحمن اسد زبانی رسید بخاکس
و کما شایسته برادران و کوه سیستک و کوه سیستک و کوه سیستک و کوه سیستک و کوه سیستک
و کما شایسته برادران و کوه سیستک و کوه سیستک و کوه سیستک و کوه سیستک و کوه سیستک
و کما شایسته برادران و کوه سیستک و کوه سیستک و کوه سیستک و کوه سیستک و کوه سیستک

فازان و خان بزار غور را با هم ملاک و بعد از آنکه از دست قباچه بگریختند و در میان بزار و غور
 آمد و در هفتصد و سی و هشت سال و نیم و هفت سال و نه ماه پادشاهی کرد و سی و سه سال عمر
 داشت و در شب عاران بدین سبب و لا تشعروا شقیقت و هفتاد و دو سال که از دین بود و بعد از آن پادشاهی
 در هفتصد و سی و سه پادشاهی شد و در هفتصد و سی و سه سال که از دین بود و هشت سال که
 سلطان مغولان پادشاهی نمود و بعد از آنکه از دین بود و هشت سال که از دین بود و هشت سال که
 کرد و با حکم هفتم پادشاه از دین بود و هشت سال که از دین بود و هشت سال که از دین بود و هشت سال که
 قطب الدین شاه جهان حاکم شده و سی و سه سال که از دین بود و هشت سال که از دین بود و هشت سال که
 از دین بود و سی و سه سال که از دین بود و هشت سال که از دین بود و هشت سال که از دین بود و هشت سال که
 و بقیامت ساخت و مال فراوان داشت و این فقره را شنید و بعد از آنکه از دین بود و هشت سال که
 از دین بود و سی و سه سال که از دین بود و هشت سال که از دین بود و هشت سال که از دین بود و هشت سال که
 شده اند

اینکه در میان بزار و غور

سلطان بوجیه الدین در خان بن الحیات و سلطان در شب چهارم ذی قعد سنه مئتمنه چهارم و مستوفی
 در سال علم الحسین و در شب چهارم ذی قعد سنه مئتمنه چهارم و مستوفی
 معاصر الحیات و در شب چهارم ذی قعد سنه مئتمنه چهارم و مستوفی

اینکه در میان بزار و غور

الحیات سلطان خدابند محمد بن از غور در هفتصد و سی و سه سال که از دین بود و هشت سال که
 در هفتصد و سی و سه سال که از دین بود و هشت سال که از دین بود و هشت سال که از دین بود و هشت سال که
 باقی نظم الدین عبدالملک و فی شاه و حوت دجله در هفتصد و سی و سه سال که از دین بود و هشت سال که
 و علاء الدین پادشاهی کرد و کتاب فی الحقیقه و کشف الصدق را نوشته و قطب الدین پادشاهی کرد و کتاب فی الحقیقه
 گفته و در کتاب فی الحقیقه و کشف الصدق را نوشته و قطب الدین پادشاهی کرد و کتاب فی الحقیقه
 ابو محمد عبدالرحمن بن محمد بن علی پادشاهی کرد و کتاب فی الحقیقه و کشف الصدق را نوشته و قطب الدین پادشاهی کرد
 ناصر الدین ابوجعفر محمد بن محمد بن علی پادشاهی کرد و کتاب فی الحقیقه و کشف الصدق را نوشته و قطب الدین پادشاهی کرد

الحیات سلطان خدابند محمد بن از غور در هفتصد و سی و سه سال که از دین بود و هشت سال که
 او قتل شد که فی الحقیقه و کشف الصدق را نوشته و قطب الدین پادشاهی کرد و کتاب فی الحقیقه
 سلطان محمد بن از غور در هفتصد و سی و سه سال که از دین بود و هشت سال که از دین بود و هشت سال که
 و در میان بزار و غور در هفتصد و سی و سه سال که از دین بود و هشت سال که از دین بود و هشت سال که

در کمال کمال و در هر روز
 مظهر است قاصد از این عالم و این جهان
 در کمال کمال و در هر روز
 مظهر است قاصد از این عالم و این جهان
 در کمال کمال و در هر روز
 مظهر است قاصد از این عالم و این جهان

تاریخ کتبه شده جنوی سید متین
 مستور است از این عالم و این جهان
 در کمال کمال و در هر روز
 مظهر است قاصد از این عالم و این جهان

مهرش در این دنیا از هر روز
 مظهر است قاصد از این عالم و این جهان
 در کمال کمال و در هر روز
 مظهر است قاصد از این عالم و این جهان

مهرش در این دنیا از هر روز
 مظهر است قاصد از این عالم و این جهان
 در کمال کمال و در هر روز
 مظهر است قاصد از این عالم و این جهان

تاریخ کتبه شده جنوی سید متین
 مستور است از این عالم و این جهان
 در کمال کمال و در هر روز
 مظهر است قاصد از این عالم و این جهان

فوت عطا در ده قصد و سبب و هفت

اول سال طین رجم هفت تن پاک که در ستانه و هشتاد و نه حاکم شد در هفتصد و بیست و هفت روز مدتی که کشت
هفت تن پاک بی و هشت سال و او را عصاره طین اولی و شهر پور سارا سو که در و زخان میرش در روز فوت پخته
حاکم شد و فتنش در هفتصد و پنجاه و نه حوض یک

روزی در حدای احوال
سلطان محمد را سلطان محمد
خان کلان و در آن روز
نور با حور

امام علیه ابوالعباس محمد بن محمد بن عبد الوهب بن صابر مقدس شافع شرح جوی نیشابلی در هفتصد و بیست و هشت
فوت در ده قصد و سبب و هفت

تغیر کتبه جیش نماز و صورت که و وفات علی الدرقوسی الملعون علی الدین عبدالغیر بن ابراهیم صاحب
و محض و عات الدین کتبه سلطه حسن الدین کتبه اوجی

در کتبه است از روزی که حضرت علی علیه السلام در مدینه منوره در روزی که در مدینه منوره
در کتبه است از روزی که حضرت علی علیه السلام در مدینه منوره در روزی که در مدینه منوره

و در آن شهر صاحب الطبع و فتح ازین علم و در آن روزگار و طبعی از شیخ و قتل امیر الحاج
معتمد کثیر الحاج و موسی حاکم ازین علم و طبعی از شیخ و قتل امیر الحاج

امام ابو حنیفه و عمر جمعی صاحب شرح شافعی و در هند و سی و دو و و این المذنب که در مدینه
بود و جمعی جمعی نوشته نشود و در آن روزگار و طبعی از شیخ و قتل امیر الحاج

و در آن شهر صاحب الطبع و فتح ازین علم و در آن روزگار و طبعی از شیخ و قتل امیر الحاج
معتمد کثیر الحاج و موسی حاکم ازین علم و طبعی از شیخ و قتل امیر الحاج

سال مصطفیٰ ص ۲۹۸

و بنام خداوندی که در هر روز
 سوره بقره را در هر روز و در هر روز و در هر روز
 سوره بقره را در هر روز و در هر روز و در هر روز
 سوره بقره را در هر روز و در هر روز و در هر روز
 سوره بقره را در هر روز و در هر روز و در هر روز

سال هجری ۴۰۲
 در این سال که در هر روز و در هر روز و در هر روز
 سوره بقره را در هر روز و در هر روز و در هر روز
 سوره بقره را در هر روز و در هر روز و در هر روز
 سوره بقره را در هر روز و در هر روز و در هر روز

و بنام خداوندی که در هر روز
 سوره بقره را در هر روز و در هر روز و در هر روز
 سوره بقره را در هر روز و در هر روز و در هر روز
 سوره بقره را در هر روز و در هر روز و در هر روز

سال هجری ۴۰۳
 در این سال که در هر روز و در هر روز و در هر روز
 سوره بقره را در هر روز و در هر روز و در هر روز
 سوره بقره را در هر روز و در هر روز و در هر روز
 سوره بقره را در هر روز و در هر روز و در هر روز

همصدا شد و سحر
و بنده شاه به جلوس و بیلدیم خان و قس را مار و سیمه الگو نه به بطریق الحمار و اسراف و الا انک من قلمت باد
و در الحیر که جلوس بر فوق و استیلا نمودن علی اسفراین رومی

همصدا شد و چهار فتح سلسله و بر داشت قاره ای که بتو تاش و خروج احد جلوس علی بن
و نمودن و الا انک اسان و مار و دران و بناء حصار و بنه رومی

۲۵۳

شکله ۷۸۴

سید محمد نور بخش در سبزه خانه و نزد و بیخ در قمار و سواد شد و در این خانه است که در این سید
علی دلازلت معا صریحا درخ بود و در وقت صبح و جمل بدان ای میر در داشتند عا لیس
شمس الدین محمد لوی در حدود سنه هفتصد و نود و بیخ فوت شد و از صاحب سلطان علی بن وید با
خراسان و ما و لا بها و بنور و ملا و سولی شد و سید شمس الدین محمد و بیخ شید کل محبه و صداقت بود
و متین لده و این شید بر ای و نقت و بیخ شید بعد از فوت شمس الدین محمد اوی بد سال فوت
شد و متین مذکور در هفتصد و هشتاد و دو تصنیف شد

ولادت میرزا الهیاد در هفتصد و نود و شش و در کجالت جمل و کمال و فوت در وقت صبح
عما لیس کنش تاریخ است
و ده سال و احوال و حکم طهارت و دوم در این شهر در حدود و نود و شش و در هفتصد و نود و شش

ولادت میرزا ابوالفتح ابوجعفر سلطان میر محمد میرزا خان در هفتصد و نود و شش و فوت در وقت صبح
سید محمد شمس الدین حافظ شرایر می صد و نود و شش و فوت در حدود و نود و شش

میرزا محمد و در وقت
در حدود و نود و شش و در زمانه و فارسی و احوال و حکم طهارت و دوم در این شهر در حدود و نود و شش و در هفتصد و نود و شش
و ده سال و احوال و حکم طهارت و دوم در این شهر در حدود و نود و شش و در هفتصد و نود و شش

والتشديد في كل ما يورد في هذا الكتاب من غير ان يكون له في نفسه قوة
 من انشاء في كل ما يورد في هذا الكتاب من غير ان يكون له في نفسه قوة
 هفت خزانة في كل ما يورد في هذا الكتاب من غير ان يكون له في نفسه قوة
 من انشاء في كل ما يورد في هذا الكتاب من غير ان يكون له في نفسه قوة
 من انشاء في كل ما يورد في هذا الكتاب من غير ان يكون له في نفسه قوة

فصل في بيان احوال الهندستان في زمانه
 في هذا الكتاب من غير ان يكون له في نفسه قوة
 من انشاء في كل ما يورد في هذا الكتاب من غير ان يكون له في نفسه قوة
 من انشاء في كل ما يورد في هذا الكتاب من غير ان يكون له في نفسه قوة

والله اعلم بالصواب في كل ما يورد في هذا الكتاب من غير ان يكون له في نفسه قوة
 من انشاء في كل ما يورد في هذا الكتاب من غير ان يكون له في نفسه قوة
 من انشاء في كل ما يورد في هذا الكتاب من غير ان يكون له في نفسه قوة

والله اعلم بالصواب في كل ما يورد في هذا الكتاب من غير ان يكون له في نفسه قوة
 من انشاء في كل ما يورد في هذا الكتاب من غير ان يكون له في نفسه قوة
 من انشاء في كل ما يورد في هذا الكتاب من غير ان يكون له في نفسه قوة

[illegible]

خوشتقدم و دوازدهمین شاه اریخ میرزا خلیل میر سلطان میرزا شاهین تیمور بود که از نجیب خاندان باقیات
 و در همان قریه نیا و مادرش انتم از نایب خان پسر خود و ادب
 سلطان سلیمان ولد ابدا لم یایز و ولد سلطان مراد و در اوجان و در عشق پادشاه و نجم دوم در عهد
 گفته شد مدت حکومت هفت سال و بعد از او سلطان محمد پادشاه شد و در عهد پادشاه محمد حسن
 میرزا شاه اریخ در عهد مقدم و دوازدهم سلطان عبدالنور و در کتات از میرزا علی شمس میر خود و در اوجان
 حیات پدر و در قریه او بود و در عهد خدیجه و ملک بیخیزت میرزا شاه اریخ میرزا علی شمس و ادب

[illegible]

در سال ۸۱۱ ثبات بر نفع حاصل که معقوله مرد و ناخر فرج و پادشاه مهر سید حسن بن عثمان با والی مکّه معقوله
و اشرف حیدر علی از اولاد سید حسن بن عثمان شد

[illegible][illegible][illegible][illegible][illegible]

کتاب از المهدیه فی ذشبہ الغزیرہ تصنیفا لام الحق المدق الحسن المہلبی در تصنیف و جعل
و ایضا طوبی نوشته شده است

سزا محکوم علی فرید میرزا شاه رخ از اولاد خود و غنای خود و وقت و زمان بدو سزا
 دادند و وقت میرزا احمد میرزا شاه رخ از اولاد خود و غنای خود و وقت و زمان بدو سزا
 دادند و سزا محکوم علی فرید میرزا شاه رخ از اولاد خود و غنای خود و وقت و زمان بدو سزا

هذا كتاب من كتب
 اهل البيت عليه السلام
 وهو من كتب
 الرواية عن اهل البيت
 ١٨٤

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل العلم نوراً يضيء به القلوب ويهدي بها السبل
والصواب

A 124

17

هر زمان که شاه بر فراز ایست بر خیزد و رشتند و چل و چپ را می کشان و گوی و بعد از آن وقت به در و شل را می کشانند
و از او ایست او در رشتند و چپ را می کشان و شل بر فراز می کشانند

از این ابدیت آورد و در حق تقدیر چنان و شش بر قیاس و شش است

در سال هشتصد و چهل و شش بر اسطغان محمد بن میرزا باج نیریز شاه و در زمان حیات میرزا شاه و پنج سال
 عراق آمد و بعد از آنکه از خانات خود عراق و فارس سوزی شد و میرزا شاه و پنج سال و تا آنکه زمان رفت
 و میرزا اسطغان که بنده آنکه در زمان رفت و میرزا شاه و در زمان که در آنجا اطمینان و فرستاد و در این سال
 و در زمان اسطغان محمد بن میرزا اسطغان و در زمان که در آنجا اطمینان و فرستاد و در این سال
 و در زمان که در آنجا اطمینان و فرستاد و در این سال

ابراهم بن ابراهیم شاه که یکی از شورش خیزان است و در روز سه شنبه هجدهم ذی قعد سال هشتصد و چهل
 و پنج در آنجا اطمینان و فرستاد و در این سال

سلطان احمد اسطغان که در آنجا اطمینان و فرستاد و در این سال

در روز جمعه نهم رمضان سنه هشتصد و چهل و هفت و در آنجا اطمینان و فرستاد و در این سال

[illegible]

169

میرزا ناصر آقا میرزا یوسف از مجاهدان فوت سلطان محمد علی میرزا بابا بیغور دست هشتاد و پنج و شصت و یک سوره
شوق عالم صفا نوار و هشتاد و پنج ایفند کتب

فتح اسلوب معصده می باشد

سینه ایها خاشاکه را بویست من بخوردم امشبها ناز سال است صد عجز و هفت بخت اورد و هیچ کس را خبر نیست
و بلاد عراق را سوزاند و غراب ساخت و قمار و گمراهی زندقه اورد و در هفت صد و شصت و این صورتیست

خزانة شلک
میرزا علی محمد و شمس الدین
میرزا محمد و شمس الدین

[illegible][illegible]

در وقت صلوات و نماز و هر چه از دست بر آید بفرستد و بر سر او بگذارد و در وقت نماز و صلوات و هر چه از دست بر آید بفرستد و بر سر او بگذارد

بر سر او بگذارد و در وقت صلوات و نماز و هر چه از دست بر آید بفرستد و بر سر او بگذارد و در وقت صلوات و نماز و هر چه از دست بر آید بفرستد و بر سر او بگذارد

نکته در این باب

در وقت صلوات و نماز و هر چه از دست بر آید بفرستد و بر سر او بگذارد و در وقت صلوات و نماز و هر چه از دست بر آید بفرستد و بر سر او بگذارد

نکته در این باب و در وقت صلوات و نماز و هر چه از دست بر آید بفرستد و بر سر او بگذارد و در وقت صلوات و نماز و هر چه از دست بر آید بفرستد و بر سر او بگذارد

نکته در این باب و در وقت صلوات و نماز و هر چه از دست بر آید بفرستد و بر سر او بگذارد و در وقت صلوات و نماز و هر چه از دست بر آید بفرستد و بر سر او بگذارد

نکته در این باب و در وقت صلوات و نماز و هر چه از دست بر آید بفرستد و بر سر او بگذارد و در وقت صلوات و نماز و هر چه از دست بر آید بفرستد و بر سر او بگذارد

حسن پشایق قویلو در اوایل هشتصد و هشتاد و یک کجستان رفت و هر کس که صلیب میورد از سادات
 و اهالی کجستان که در جیای آنرا و لایحه کجستان فتح نمود و درین سال نیز معاودت نمود و در هشتصد و هشتاد و
 دو و در یک سال هشتصد و هشتاد و یک کجستان را به طاعت از راه و سایر احوال فرموده و از کس نشد و نقایط احوال در میان کجستان

از سبیل حضرت خیر علی بن ابی طالب علیه السلام هشتصد و هشتاد و یک کجستان را به طاعت از راه و سایر احوال فرموده و از کس نشد و نقایط احوال در میان کجستان
 کلین و در هشتصد و هشتاد و یک کجستان را به طاعت از راه و سایر احوال فرموده و از کس نشد و نقایط احوال در میان کجستان
 از سبیل حضرت صاحب الامر از زمان هجرت منجمن سادات اهل بیت علیهم السلام هشتصد و هشتاد و یک کجستان را به طاعت از راه و سایر احوال فرموده و از کس نشد و نقایط احوال در میان کجستان

حسن پشایق قویلو در اوایل هشتصد و هشتاد و یک کجستان رفت و هر کس که صلیب میورد از سادات
 و اهالی کجستان که در جیای آنرا و لایحه کجستان فتح نمود و درین سال نیز معاودت نمود و در هشتصد و هشتاد و
 دو و در یک سال هشتصد و هشتاد و یک کجستان را به طاعت از راه و سایر احوال فرموده و از کس نشد و نقایط احوال در میان کجستان

حسن پشایق قویلو بعد از آنکه از فتح کجستان بپایان رسید و چون بازده سال و کسری از آن شاهی
 او گذشت در سال هشتصد و هشتاد و یک کجستان را به طاعت از راه و سایر احوال فرموده و از کس نشد و نقایط احوال در میان کجستان
 پیرانشاه فرموده و از اوایل هشتصد و هشتاد و یک کجستان را به طاعت از راه و سایر احوال فرموده و از کس نشد و نقایط احوال در میان کجستان
 پیرانشاه شد و شش ماه و نیم پادشاهی کرد و با عقوبت یک درون خانه خود چنان کرده گشته شد و عقوبت یک درون خانه
 قتل برادر پادشاه شد و در ششصد و هشتاد و یک کجستان را به طاعت از راه و سایر احوال فرموده و از کس نشد و نقایط احوال در میان کجستان

در عهد و بیعت و وفات شاه اسماعیل و در عز و زوال و وفات و در عز و زوال و وفات و در عز و زوال و وفات
و در عهد و بیعت و وفات شاه اسماعیل و در عز و زوال و وفات و در عز و زوال و وفات

و در عهد و بیعت و وفات شاه اسماعیل و در عز و زوال و وفات و در عز و زوال و وفات
و در عهد و بیعت و وفات شاه اسماعیل و در عز و زوال و وفات و در عز و زوال و وفات

و در عهد و بیعت و وفات شاه اسماعیل و در عز و زوال و وفات و در عز و زوال و وفات
و در عهد و بیعت و وفات شاه اسماعیل و در عز و زوال و وفات و در عز و زوال و وفات

چرا که

و در عهد و بیعت و وفات شاه اسماعیل و در عز و زوال و وفات و در عز و زوال و وفات
و در عهد و بیعت و وفات شاه اسماعیل و در عز و زوال و وفات و در عز و زوال و وفات

و در عهد و بیعت و وفات شاه اسماعیل و در عز و زوال و وفات و در عز و زوال و وفات
و در عهد و بیعت و وفات شاه اسماعیل و در عز و زوال و وفات و در عز و زوال و وفات

و در عهد و بیعت و وفات شاه اسماعیل و در عز و زوال و وفات و در عز و زوال و وفات
و در عهد و بیعت و وفات شاه اسماعیل و در عز و زوال و وفات و در عز و زوال و وفات

عبدالنه خان امیر اسکندرخان در حدود رود هرا صیرا بونجانی پاشا سلطان و حاکم مدوین قهرمان خان
خان است و در حدود رود هرا است و بنو عبداللهمین خان پسر حسین عبدالنه خان است و عبداللهمین خان که
رویش قهرمان در عزت پادشاه است و خان در دما و اول التور و در قهرمان و لاجانی پاشا سلطان غلامزاده
خان است و در قهرمان در دولت محمد خان پسر سلطان پادشاه بود و عبدالنه خان پسر اردی پاشا عبدال
نام عبدالنه سلطان پسر پادشاه عبداللهمین خان پسر پیر پادشاه کرد و در مار و رش و رش قهرمان و سیکرد
قهرمان پسر حاکم سلطان است و حاکم پاشا سلطان و اما عبدالنه خان پادشاه

الارض من نور و ملك عبد

[illegible]

الحمد لله وحده

موسى بن محمد حافظ شیرازی مشهور بعارف و کامل او مفتی مولی امجد بود و در کوفه

[illegible]

فوت عبداللہ خان و سولوس عبداللہ خان در فرار و شش
قتل عبداللہ خان و از بد در فرار و شش
موجود شد اما کسی متاخر نبود فتح خراسان در فرار و شش

سید علی حسینی

و شکر او و غفر حق صادر شد که تو یکایک سپاهیان را از میان بگردانیدی و او سوار و پیاده در میان
واقعه کربلا رویداد و هم حرمه را محض میخواندند و او را در آن وقت

ما قی سلطان در بکرا و وقت

و لا تترك من راجع الغفر غفر من ايمانك احد احد مولانا محمد شيرازي صاحب السيف والسرور في دار السلام
 كذا في كتابه اربعه عشر في بيان احوال السالكين في سلكه في دار السلام

ولاد شجاع خان وزیر اعظم بالاستقفا و الاستعداد اوطافه زنکند
 ده هزار و بیست و دو و کلید شجاعی است که در این دست قلم الکلی خور
 کلاه و بود و نیز و بر و اعتماد الدوله است اربع سده ها شمشاد و خور و در این مایه مردم هم سده ها و سده ها
 و میرزا شاد نام

شوال سنه ۱۲۰۲

رفتن کیست خان بکستان هزار و بیست و چهار

سالفار و بی و بی و بی

نام شجاع خان وزیر اعظم بالاستقفا و الاستعداد اوطافه زنکند
 اربع سده ها شمشاد و خور و در این مایه مردم هم سده ها و سده ها
 و میرزا شاد نام

رفتن کیست خان بکستان هزار و بیست و چهار
 ده هزار و بیست و دو و کلید شجاعی است که در این دست قلم الکلی خور
 کلاه و بود و نیز و بر و اعتماد الدوله است اربع سده ها شمشاد و خور و در این مایه مردم هم سده ها و سده ها
 و میرزا شاد نام

Handwritten text at the top of page 552, mostly illegible due to fading.

باز احوال را در صوفیه بگفته و بر شمع و کبریا را در کتب شریف از حوض لطیف بپرداد
تجسمه را در دهر و وقت خورشید از حوض عذرا از سر به طعنه از او باری از تمام کلید را در کف
صبر را همه از کف و طعنه چه سدا از هر که در کار کوه که کوه از او بود و پشت از کف و دادر است

Handwritten marginal note on the right side of page 552.

اندر سلطان را بر بخت و صلح با این دو بوی و بخت و بخت و بخت

Handwritten marginal note at the top of page 553.

مردن سلطان را در خان با و شاه و دم در هر روز و در هر روز
و بعد از و سلطان را به هم با و شاه و دم و سال و نیم حکومت کرد و خلعش کرد و سلطان را با و شاه و دم
و بخانه و بخت و سال

Handwritten marginal note on the left side of page 553.

قرار و چاه و در هفت نوبت حضرت شاه شاه صفی بن شاه شاه افشاری به در هر روز چاه و در
 چاه و در خواران و سایرین صاحب قریب شاه عباس بن شاه صفی بن شاه عباس بن شاه افشاری
 اینان سلطان و از آنکه سلطان شاه افشاری سلطان شاه عباس بن سلطان و در هر روز چاه و در

قرار و چاه و در

قرار و چاه و در

قرار و چاه و در

قرار و چاه و در هفت نوبت حضرت شاه شاه صفی بن شاه شاه افشاری به در هر روز چاه و در
 چاه و در خواران و سایرین صاحب قریب شاه عباس بن شاه صفی بن شاه عباس بن شاه افشاری
 اینان سلطان و از آنکه سلطان شاه افشاری سلطان شاه عباس بن سلطان و در هر روز چاه و در

[illegible]

هو از و منتهی است
سید و از این عالم و این اقصای انوار و عالم و منتهی است
از این و منتهی است

072

سید زکریا علی بن ابی الحسن الحسین الشافعی عالم مجاور کعبه شریفه سوادش فی ریاض و بیوت و محبت سواد و در تبحر
 و زاری و شفت و هفت از علمای جامع است
 مورد نظر احمد استماعی و من جماعه کرام و اشراف است

[illegible][illegible]

و در سنه هزار و یکصد و پانزده میرزا حسن صاحبخانه دار راه و جیب المخب متوجه سفر حج بیت الله الحرام
شد از راه بند و گنگ و محلا

و در سنه مذکوره در ماه مبارک رمضان در شب سیم نوایا شریف غم حقیق میرا سبیل سلطه الله را یافت
حضرت علامه العلامی فرمود در هر دو حید زمانه علای میر محمد باقر علیه الله تعالی این غم حقیق
افطار طلبید و یا ایشان افطار کرد و یا هفت ساعه یا ایشان مشغول هفت بود و کمال آداب رعایت
کرده و از شایسته علای میر محمد باقر علیه الله سبیل ما را از انقباض فرمود و امر کرد ایشان را به نصیحت
رساله مخفی و واجبات غازی که خود ترجیح داده باشند بافکند و از انقباض و ایشان نصیحت
نموده در دو شب و بنظر نواب اشرف رسانیدند و بطور در شب بیست و هشت این ماه نیز علای
میر محمد باقر طلبیدند و یا او افطار فرمودند و هفت ساعه یا غم مشغول هفت بودند و امر
فرمودند به تالیف رساله در شرایط و آداب دعا کردن و خواندن

[illegible][illegible][illegible]

بعد از آن ظاهر شد که با شرف شرط بسته بودند با و اندر و پس بد و بت و تان و با جعفر علی آبادیت اشرف و با
 هم باقی نرفتند که ایشان بگفته اند که سید سند خاوند و با و قول نمیکند و قواب اشرف میفرموده که هر چه میگویم که او
 قبول کند و میر محمد صالح در شش ماه و هشت سال داشت و از جماعتی که درین عرصه بودند این بود باین منصب
 و طالب علم بود از باقی حضرت علای فضای بگانه زبانه میر محمد با قواسمه الله تعالی سن شریفش چهل و پنج
 سال بود و از اقامت حریف سه سال بزرگتر بود و حقا که کالی مرداکی و هفت و نودین بعد از این منصب
 گذشتن و بقیه الله تعالی غایه منشاء و طول الله عمره و طاعت و رضا و میر محمد صالح در چهار ماه و هشت
 روز چهارشنبه نوزدهم ماه مذکور با بوس منصب شریف الاسلامی که مشغول کار بدین شد و در او افراده مذکور
 خلعت پوشید

و در روز چهارم ماه محرم سنه هزار و یکصد و شانزده میرزا محمد امین پسر میرزا مهدی اعتماد الدوله را باین فضا
 اصفهان سرفراز کرد و در آن جمله غیبه و سادات بود و فی الجمله طالب علم داشت و تازه میرزا حبیب الله صدر
 بود و بدین میرزا مهدی اعتماد الدوله بود و یکسال این منصب را گذراند و فوت شد و بعد از این منصب
 به فرزندان او که فاضل و متدین بود و آثار و نجابت در او و بیخ و لایح بود داده شد و اخیری میرزا سید محمد
 و این منصب را بکدام غای و اصفهان این اناس میکند و بیار و خوب سوار میکند و او را در ده فرسخه و در آنجا اقامت

نوبت فاضل عالم عامل محمد علی محمد میر اسمعیل الشیرازی خوان ایادی روی چهارشنبه جهان ماه
 ربع الثانی سنه هزار و یکصد و شانزده دفن او در مقبره که خود ساخته بودند در قبرستان بامارک الدین
 و شش رکیدی است و هفت حجره و هفت طابعم در آنجا سنگی دارند و موقوفه و هر ساله چهارده نفر
 در وجه طلبه انجام میدات و در شریفش هشتاد و پنج سال و کسری و آثار و خیرات ز سید فاضل عامل بسیار دارند
 مدتی در شهر و بعد از آن سید اسمعیل و حامی در خوان و آباد و باغات که در خوان آباد ساخته و وقف کرده
 و متروکات او بدو و توان میفرستد و بعد از آن بخند و در آنجا با شرف خلعت فاخر حضرت ملا علی
 میر محمد باقر سلمه ایام هم حقیقت شفت نمودند و میر علی رضا بن خلعت شفت شد و تشریف فرزه
 هم محمد محمد علی محمد علی هم محمد علی دیگر حقیقت و بصلت پنه میر محمد صالح الاسلامی نیز خلعت شفت
 و دیگر نواب اشرف غایه تعظیم و توقیر میفرمود میر محمد باقر سلمه الله را و در خلعت با او صیانت
 و بناء مدرسه نمود در چهار ربع اصفهان در هزار و صد شانزده و در هزار و صد هشتاد و صد
 شصت بر مقام شده شد و در دی الحجه الحرام سال تدیس مدرسه منوبه را بخرید علامه
 امیر محمد باقر سلمه الله توفیق نمود و انشاء ای بزیارت بستانه انحرار از راه شام رفتند
 و در وجه او و بیت توان مقبره نمود و محکم ساخت آن علوی را خلعت فاخر و در آنجا
 او افزود به العلماء المتقین و از جمله مجربان و مخصوصان نواب اشرف بود و در جوانی باقی
 هزار و صد نوزده نواب اشرف را زده زیارت مشهد رضوی نمود و صد توان اتمام حجت علی
 و ادم با خود با این سفر خیراتش بود در منزل یک جبهه با دشا در آنجا و دعای نمود و نواب اشرف
 را بهمانی عظیم عارض شد و با این حال شیخ سفر نموده تشریف بردند و در بطن طهران رستار گذاشتند
 و در خارج بجل شده روانه مقصود شدند و در مقام راه بان علامه اهلای محبت میداشتند
 الاسلام را در طهران و حقیقت شفت و شریف مشهد مقدس رضوی و اقا جمال با اردو میفرست
 میفرست و در طهران خلعت فاخر حضرت استادی امیر محمد باقر سلمه الله شفت شدند و در مشهد
 نیز خلعت شفت شد و باقیان را در مشهد که بیدند و اول ماه مبارک ربیع روانه اصفهان
 هشت روز بامارک ماند و در اصفهان شدند و مجد و موسی خان اعتماد الدوله و در او افراده
 در مشهد مقدس فوت شده و بعد از شش روز شاه قلی خان قزوینی با شیخ سرفراز منصب وزارت
 در و خروج از مشهد مقدس با بوس نمود و مجد و موسی خان قزوینی با شیخ شد در آن روز و در راه
 سنه هزار و یکصد و بیست نواب اشرف خان نیز حضرت علامه المیرزا قاسم آقا سیدی بنیاده نمودند
 بطرح سید توان و اقامت در حوالی خانه قدیم ایشان بود و تیرا از افراده عامر شفت نمودند
 و بعد از سلطانی صد و پنجاه حجره دارد و در کال خلعت ساخته شده و کالی کمال صاحب خزان

و در سلسله صفویه امام الله دولتهم به قسری و اخلاص بادشاه دین پناه شاه سلطان حسین بن
 شاه سلیمان بن شاه عباس بن شاه صفی بن سام میرنده بن شاه عباس الماضی بن شاه خاندان
 بن شاه طهماسب بن شاه اسمعیل الحسینی الموسوی بنامده و همه کارهای خود را موافق شرع
 میکند و مسائل را جمیعاً از حضرت اسادی علامه العلامی میر تقی قبادام علیه السلام اخذ میکند
 و اعتقاد کامل حضرت اسادی اردوین هم از آثار توفیق حضرت بادشاهت بجست الله در این زمان
 شرایط افتاد و غیر حضرت اسادی مفقود است و در اکثر کارهای با حضرت علامه اسادی خلعت
 میکند و سلوک نواب اشرف با آن علامه العلامی و سلوک اسادی با نواب اشرف سلوک
 استاد است با شاگرد و شاگرد با استاد امام الله دولته الی قیام الغیاء علیه السلام

در تهنیت شهر جادی ثانیه سنه هزار و یکصد و هفتاد و نهم حروف اراده سفرهای نهمه از راه شام و بعد از شرف یابن شرف از راه
 دریا معاودت اتفاق افتاد و ایام سفرها نهمه و سه روز کشید و در نهمه ماه مبارک رمضان وارد دار السلطه اصفهان
 شدیم و فرمایید درین سفر مشاهده نمودم و در راه در مدینه قیبه توقف کردم در کال رفاه و غایت اطمینان و اکثر خطای عامه با ادعای
 مربوط شدند و غایت طاعت و افراتیکردند بعد از آنکه حسابها شناختند مرا و این را بنویسید و بجزای حق و رسالت پناه بود

و در سلسله صفویه امام الله دولتهم به قسری و اخلاص بادشاه دین پناه شاه سلطان حسین بن
 شاه سلیمان بن شاه عباس بن شاه صفی بن سام میرنده بن شاه عباس الماضی بن شاه خاندان
 بن شاه طهماسب بن شاه اسمعیل الحسینی الموسوی بنامده و همه کارهای خود را موافق شرع
 میکند و مسائل را جمیعاً از حضرت اسادی علامه العلامی میر تقی قبادام علیه السلام اخذ میکند
 و اعتقاد کامل حضرت اسادی اردوین هم از آثار توفیق حضرت بادشاهت بجست الله در این زمان
 شرایط افتاد و غیر حضرت اسادی مفقود است و در اکثر کارهای با حضرت علامه اسادی خلعت
 میکند و سلوک نواب اشرف با آن علامه العلامی و سلوک اسادی با نواب اشرف سلوک
 استاد است با شاگرد و شاگرد با استاد امام الله دولته الی قیام الغیاء علیه السلام

و قایم سنه هزار و یکصد و بیست و نوبت حکومت هرات به صفی قلی خان حاکم سابق هرات
 بعد از آنکه سنی حکومت اشکافا می پاشی دیوان بود بعد از عزل از حکومت نانی هرات و بعد از
 عزل از آن منصب حکومت مشهد رضوی یا توغریض شد و بعد از ورود بواب شریف مشهدی مقوس
 معزول شد و حکومت مشهد رضوی مقوض شد بحد خان بر اصلان خان و منقذ را رد و بود و در
 ماه بیستم الثاني برخص شده وقت به هرات و کشته شدن کلبعلی خان سردار استرآباد خیل که توکان
 کرده بودند و بعد از او اصلان خان سردار و حاکم استرآباد نموده روانه نمودند و در راه استرآباد
 کتبه محمد رضا خان خلفا را که نایب بودند در آنجا حاضر نمودند و فانی کاخته مورشد که بود بکنج و آقا
 کتبه نفرستد و نایب باشد در آنجا و دیگر آقاها را که کتبه بی هم آمدند نمودند صفی قلی خان حاکم که کتبه را
 و فانی در میان حاضر شد که با ستر هزار نفر رفته آقاها را که کتبه نفرستد و نایب بود در آنجا
 سردار استرآباد را که حاکم استرآباد بود طلبیدند و حاکم ری کردند و میرزا داد او متولی مشهد رضوی
 با اردوی علی اند و در اردو است و مکرر خدمات لایقه با و میفرمایند و در راه بیستم الثاني حضرت
 فضلاء و علماء اعلی آقا جمال و حضرت اسادی و شیخ الاسلام مخلص خلیل و فخره نمودند و در راه بیستم
 پادشاه از غایت صلاح و دین داری علما را امر نمود که مرتبه دیگر زمینها و دکانها را اجاره کنند
 بخیری که صرفه و فساد رعایت کنند و قدری از آن اراضی از موقوفات بقعه مشهوره مسجد امام
 العابدین علیه السلام است و قدری از اراضی میر لنگری است که با اولاد او مصالحه بایست نمود
 و قدری از موقوفات سرکار فیض نادجها رده معصوم است علیه السلام

در ماه مبارک رجب المرجب سنه ۱۱۲۲ هـ را در بکشد و بیست و دو در جبهه دهم شهر مذکور را هلال علم
 راه در مدرسه جدید سلطان که در سمت جنب چهار باغ اصفهان است جا دادند و علماء و علما
 محمد امان امیر محمد باقر اصفهانی و محمد سید علی میرزا و سید محمد و روز مذکور شروع به احداث
 کردند در آن مدرسه و امرا و علماء و بزرگان اصفهان فرمودند در مدرسه مذکور مبارک
 جدید سلطان

نور تاج عالم تقی علی عامل افغانی خلف مرحوم میرزا آقا حسین خوانساری در ماه مبارک رمضان بعد از آنکه شاه در ماه رجب
 در افغان خزان و شعبان از افغان مراجعت فرمودند در اوایل ماه مبارک بنوبه خوشی ستر هزار و یکصد و بیست و دو و هم در آن ماه مبارک
 علم می امیر محمد باقر اصفهانی در صوبه کشته و ستر هزار و یکصد و بیست و دو

1. The first part of the paper is a
 description of the general character of the
 country, and the nature of the soil.
 2. The second part is a description of the
 climate, and the seasons of the year.
 3. The third part is a description of the
 principal occupations of the people.
 4. The fourth part is a description of the
 principal towns and cities.
 5. The fifth part is a description of the
 principal rivers and lakes.
 6. The sixth part is a description of the
 principal mountains and hills.
 7. The seventh part is a description of the
 principal forests and woods.
 8. The eighth part is a description of the
 principal minerals and metals.
 9. The ninth part is a description of the
 principal animals and birds.
 10. The tenth part is a description of the
 principal plants and flowers.

1. The first part of the paper is a
 description of the general character of the
 country, and the nature of the soil.
 2. The second part is a description of the
 climate, and the seasons of the year.
 3. The third part is a description of the
 principal occupations of the people.
 4. The fourth part is a description of the
 principal towns and cities.
 5. The fifth part is a description of the
 principal rivers and lakes.
 6. The sixth part is a description of the
 principal mountains and hills.
 7. The seventh part is a description of the
 principal forests and woods.
 8. The eighth part is a description of the
 principal minerals and metals.
 9. The ninth part is a description of the
 principal animals and birds.
 10. The tenth part is a description of the
 principal plants and flowers.

1. The first part of the paper is a
 description of the general character of the
 country, and the nature of the soil.
 2. The second part is a description of the
 climate, and the seasons of the year.
 3. The third part is a description of the
 principal occupations of the people.
 4. The fourth part is a description of the
 principal towns and cities.
 5. The fifth part is a description of the
 principal rivers and lakes.
 6. The sixth part is a description of the
 principal mountains and hills.
 7. The seventh part is a description of the
 principal forests and woods.
 8. The eighth part is a description of the
 principal minerals and metals.
 9. The ninth part is a description of the
 principal animals and birds.
 10. The tenth part is a description of the
 principal plants and flowers.

1. The first part of the paper is a
 description of the general character of the
 country, and the nature of the soil.
 2. The second part is a description of the
 climate, and the seasons of the year.
 3. The third part is a description of the
 principal occupations of the people.
 4. The fourth part is a description of the
 principal towns and cities.
 5. The fifth part is a description of the
 principal rivers and lakes.
 6. The sixth part is a description of the
 principal mountains and hills.
 7. The seventh part is a description of the
 principal forests and woods.
 8. The eighth part is a description of the
 principal minerals and metals.
 9. The ninth part is a description of the
 principal animals and birds.
 10. The tenth part is a description of the
 principal plants and flowers.

وقایع شاه هزار و صد و بیست و دو و هجری قمری فوت اقا علیا رئیس سید حرم اصفهان
 در ماه ربیع الاول و فوت داده خاتون در اوایل شهر مذکور و سکون شدن مدرس
 جدید سلطانی که واقع است در جنب چهار باغ اصفهان در چهارم شهر رجب
 ده ران روز در مدرسه مذکور حسب الامر محیی منعقد شد از امراء و ارباب منصب و
 اعلام و مدرسین و پیشمازان و طلبه مدرسه و جمیع از طلبه و در آن روز مدرس مدرسه
 مذکور یعنی زید العلماء المتبیین علامه العلامی مجتهد انانی المنفرد فی عصره فی الکالات العالی
 و العالی الخلقی و الخلقی امیر محمد باقر اسلمه الله خلف حرم میرو از هدایای زانه و اعطای
 میر محمد باقر عیال خاتون آبادی شروع بدین نموده و تقدیب حدیث و شرح مختصر اصول
 و شرح لعمده را شروع فرمود و از ادب او تکلیف فرمود اقا جلالی که شروع نماید و شروع نمود
 و تا این زمان در وقت منوی که جنب مجمع منعقد شده بود و محمود آقای ناطق بیوتات و محبت
 اشک افاقی باقی و علم مجلسی و شاه در خدمت بودند و هیچ یک نه نشاند و در آن روز
 دولت خان از تغلات و دولت خان حاضر و در وقت غایب طعام از سرکار پادشاه
 شد در مدرسه و اعتماد الدوله شاه قلی خان زکریه بعله از آنجا آمد و پنجاه خان شریف
 و پنجاه خان شریفی مین دولت و نفر دیگر فرستاده بودند

و انبیا از وقایع تقدید عید مولود حضرت سیدالاصیاء بود که پادشاه از علما تقیست
 روز تولد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را و چون خلافت مذکور شد از علما شیخ الاسلام
 امیر محمد صالح خوانقده ایادی و او را اعتقاد روز هفتم شهر شعبان المعظم بود بمقتضای حدیثی
 و قائلی معلوم نبود بجهت آن قول و حضرت علامه العلامی اقا جلال و حضرت اعلم العلماء
 محمد باقر مدرس مرد و بنا اعتقاد این بود که سیزدهم رجب روز ولادت با سعادت حضرت
 پادشاهی فرمود که اشک افاقی باقی همه علماء اعلام و مدرسین و متوسطین را اجتماع
 در خانه میرزا باقر صدر خاصه و بعد از نمازات اقا جلال و میرزا باقر سلمه الله و فرستاده
 نفر بیستم دادند که روز ولادت با سعادت حضرت سیزدهم رجب است و شیخ الاسلام و غیره

علامه اکرم

و ادعای شرف هفتم شعبان را روز ولادت حضرت کمان کرد و در هر کس اعتقاد خود را نوشته
 بمحصل امر میبود بظرافت رسانیده و این مجمع در شب شنبه چهارم شهر رجب منعقد شد
 و پادشاه و الامراء و جمیع مجمع علیه داده سیزدهم رجب با عید قرار داد و شب تا صبح بطریق سایر
 اعیان و نویر را فرزند و آن روز را مجلس ساختند و قول هفتم را که از قدهاء و متاخرین
 قائلی نداست و مستند به بغیر حدیثی نبود اعتبار ننمودند چنانکه قول بابتکه ولادت با سعاد
 در هفتم و نه است یا در چهارم رمضان نیز بغیر حدیثی دیگر سندی نداشت و یکی
 اعتبار نگرفته بود پس هر سه قول در یک مرتبه است لهذا جمیع قول اول دادند و این جمیع
 شاه سلطان حسین بن شاه سلیمان بن شاه عباس بن شاه صفی بن شاه میرزا حسین
 عباس بن شاه خدا بند بن شاه طهماسب بن شاه اسماعیل است نفعه الله به فی الدار
 حاضرین
 اعیان و افاضات
 اسیر و بدایه
 الکتاب
 محمد باقر
 دهم و اولاد
 متولی و میرزا سید محمد باقر

از وقایع سرهرا رو یکصد و بیست و سه هجری زمین پادشاه باغ جدیدی بنیاد داد در راه شعبان و مراجعت نمود در دهم
 شهر رمضان المبارک و امر نمود به بنیاد عمارت در باغ مزبور در راه مبارک رمضان مبارک که ابراهیم خان یوزباشی و امر نمود به
 از مقرران که بنا و خانه نماید در حوالی باغ از جمله بنیاد حضرت علامه العالی محمد انور خان مدرس مدینه جدید سلطان ابراهیم خان را
 واه طاعت با عدم رفعت حساب از اراضی اطاعت را لازم داشت اشیاء قیمتی و بنای قمار نمودند و مسافری در بیست و یک سال
 سعادت آباد بان فریدالدهری بمقتضای شغقت شد که بان ده جریب زمین موات که احیا شوند شرب شود
 و از جمله وقایع سده مزبوره وقف نمود بقیه زمین باغ سعادت آباد و ابان و وقف نمود باغ و فتح آباد است
 و ایضا در سده مذکوره وقف نمود بنواب اشرف اقدس سید سلاطین افاق شاه سلطان حسین خلد الله علیه
 قریه امپار را بر مدرس جدید سلطانی بعد از آنکه برنج شریانی را مالک شدند
 و ایضا در سده مذکوره وقف نمود مدرس مبارک که نخور و ملک و قریه سر رود و نغم آباد و غیره را
 و ایضا در سده مذکوره اخیار نمودند قریه طهر انجی را از ورثه الله بیک بکار صد و چهل تومان بعد از آنکه در
 دیوان بود و خواب رضوان مکان آنرا از ورثه الله بیک گرفته بود یا او و سینه نموده بود که آن مال بیک شایسته
 احتیاط شرعی نموده اخیار نمودند و وقف نمودند حاصل آنکه از خرج و دین داری شاه سلطان حسین خلد الله علیه
 ملکه برینیه است که انچه از مالک وقف نموده در آن غایت احتیاط را امری داشته بود بلکه انچه را که تصرف
 نموده تا ملک شرعی او و خلد هات تصرف کرده است و در این سال میرزا ابوالقاسم خلد الله علیه متولی دولت
 رضویه متوجه آوردن آب کون و محمودی که در دین قدری کار کرده و مقتضایست که تقوی بوده که آب می انداخته
 نموده اند و سقیه آن جهت بشود و الله به

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلاة والسلام على سيدنا محمد
 وآله الطيبين الطاهرين
 أجمعين
 أما بعد
 فإني قد تلقيت من
 بعض السادة المشايخ
 من علماء هذه الديار
 رسالة في بيان
 بعض أسرار الحكماء
 في تفسير القرآن
 الكريم
 وقد كانت الرسالة
 غنية بالبرهان
 ووافية بالمعنى
 وقد نظرت فيها
 ووجدتها صحيحة
 في الأصول
 ووافية في المعاني
 وقد أحسست في
 قلبها من أسرار
 الحكماء
 ما لم أكن أعرف
 من قبل
 وقد أحسست في
 قلبها من أسرار
 الحكماء
 ما لم أكن أعرف
 من قبل
 وقد أحسست في
 قلبها من أسرار
 الحكماء
 ما لم أكن أعرف
 من قبل

و قد استقرت في بعض
 من أسرار الحكماء
 ما لم أكن أعرف
 من قبل

والله اعلم
 بالصواب
 والحمد لله رب العالمين

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلاة والسلام على سيدنا محمد
 وآله الطيبين الطاهرين
 أجمعين
 أما بعد
 فإني قد تلقيت من
 بعض السادة المشايخ
 من علماء هذه الديار
 رسالة في بيان
 بعض أسرار الحكماء
 في تفسير القرآن
 الكريم
 وقد كانت الرسالة
 غنية بالبرهان
 ووافية بالمعنى
 وقد نظرت فيها
 ووجدتها صحيحة
 في الأصول
 ووافية في المعاني
 وقد أحسست في
 قلبها من أسرار
 الحكماء
 ما لم أكن أعرف
 من قبل
 وقد أحسست في
 قلبها من أسرار
 الحكماء
 ما لم أكن أعرف
 من قبل
 وقد أحسست في
 قلبها من أسرار
 الحكماء
 ما لم أكن أعرف
 من قبل

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلاة والسلام على سيدنا محمد
 وآله الطيبين الطاهرين
 أجمعين
 أما بعد
 فإني قد تلقيت من
 بعض السادة المشايخ
 من علماء هذه الديار
 رسالة في بيان
 بعض أسرار الحكماء
 في تفسير القرآن
 الكريم
 وقد كانت الرسالة
 غنية بالبرهان
 ووافية بالمعنى
 وقد نظرت فيها
 ووجدتها صحيحة
 في الأصول
 ووافية في المعاني
 وقد أحسست في
 قلبها من أسرار
 الحكماء
 ما لم أكن أعرف
 من قبل
 وقد أحسست في
 قلبها من أسرار
 الحكماء
 ما لم أكن أعرف
 من قبل
 وقد أحسست في
 قلبها من أسرار
 الحكماء
 ما لم أكن أعرف
 من قبل

والله اعلم
 بالصواب
 والحمد لله رب العالمين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل في كل شيء
دروسا لمن يتفكر

فوت سید سید عالم کا شمار اس عجل میں نہیں ہوتا
 و اما بعد الف من الجور ^{الغفقا}
 فوت سید سید عالم کا شمار اس عجل میں نہیں ہوتا
 و اما بعد الف من الجور ^{الغفقا}
 فوت سید سید عالم کا شمار اس عجل میں نہیں ہوتا
 و اما بعد الف من الجور ^{الغفقا}

فوت سید سید عالم کا شمار اس عجل میں نہیں ہوتا
 و اما بعد الف من الجور ^{الغفقا}
 فوت سید سید عالم کا شمار اس عجل میں نہیں ہوتا
 و اما بعد الف من الجور ^{الغفقا}

ان وقتیکہ سنہ یکہزار و یکصد و ہشتاد و دو علیہ السلام
 و اما بعد الف من الجور ^{الغفقا}
 فوت سید سید عالم کا شمار اس عجل میں نہیں ہوتا
 و اما بعد الف من الجور ^{الغفقا}

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل في كل شيء
دروسا لمن يتفكر

فوت سید سید عالم کا شمار اس عجل میں نہیں ہوتا
و اما بعد الف من الجور ^{الغفقا}

فوت سید سید عالم کا شمار اس عجل میں نہیں ہوتا
 و اما بعد الف من الجور ^{الغفقا}
 فوت سید سید عالم کا شمار اس عجل میں نہیں ہوتا
 و اما بعد الف من الجور ^{الغفقا}

فوت سید سید عالم کا شمار اس عجل میں نہیں ہوتا
 و اما بعد الف من الجور ^{الغفقا}
 فوت سید سید عالم کا شمار اس عجل میں نہیں ہوتا
 و اما بعد الف من الجور ^{الغفقا}

سلسلة على سائر مشهور عتبات اراوى كرسكو ايمان دار السلطنة اشرفها الشكر في الله تعالى
٦٢٥

٣
٢
١
السيد محمد جعفر بن السيد عبد الحميد السيد محمد حسن

٥
٤
٣
٢
١
السيد عبد الحسين السيد محمد باقر

٦
٥
٤
٣
٢
١
السيد امير اسمعيل بن السيد عماد الدين

٨
٧
٦
٥
٤
٣
٢
١
السيد امير حسين بن

٩
٨
٧
٦
٥
٤
٣
٢
١
السيد

١٠
٩
٨
٧
٦
٥
٤
٣
٢
١

١٠
٩
٨
٧
٦
٥
٤
٣
٢
١
السيد محمد مرتضى بن اخاه السيد امير حسن

١١
١٠
٩
٨
٧
٦
٥
٤
٣
٢
١
السيد امير حسين

١٢
١١
١٠
٩
٨
٧
٦
٥
٤
٣
٢
١
السيد محمد ولد السيد شرف الدين وهو اخوه المرحوم المذكور ولدا

١٣
١٢
١١
١٠
٩
٨
٧
٦
٥
٤
٣
٢
١
السيد حسن بن السيد شرف الدين

١٤
١٣
١٢
١١
١٠
٩
٨
٧
٦
٥
٤
٣
٢
١
محمد بن تاج الدين حسن بن شرف

١٥
١٤
١٣
١٢
١١
١٠
٩
٨
٧
٦
٥
٤
٣
٢
١
الدين حسين بن السيد الكبير عماد الشرف

وحيه من آدم ابو البشر عليه السلام

عمر
ابو کبیر
علاء الدین
سعد بن ابی وقاص
عبد بن ابی وقاص
علاء بن ابی وقاص
عمر

معه من بني قيسية بن حرب بن ابي ربيعة بن عبد الله بن عبد مناف
الاعراب عندهم في قيسية بن ربيعة بن عبد شمس

[illegible]

72A

72V

در سنه هزار و یکصد و سه در روز سه شنبه یازدهم شهر ذی القعدة الحرام علیه می رسید و چون آن خلیف محترم بجهت اربابان امر و باقر اسلامه تمام جمیع الاوقات و اعانتا
و البیقات مرتبه و الاذنیات و المدخود در تدیس می کرد جدید سلطانی مرقوم از شد و در آن روز شروع بدین بنوده درس گفت و بجهت عظمی آن فاضل و علام مرتب شده
شیرینی بسیار آورد و بانی و باعث بر این نوازش و عفو و عود شدند باعتبار آنکه از جهت اربابان اکثر اوقات در صحبتان پادشاه و احایه بسر و زندگی در
مراقبت و استقامت

صورة شجره اذات سله عليه امير اسمعيل خان تباري كه سله است خوانا باد باشد

سيد امير حسين بن السيد امير عبدالحسين بن السيد امير محمد باقر

سيد امير حسين بن السيد امير عبدالحسين بن السيد امير محمد باقر

ابن مير اسمعيل بن امير عماد الدين بن امير حسن

ابن سيد جلال الدين بن السيد مرتضى وهو اخاه

السيد امير حسن والسيد اسمعيل ابنا المرحوم

السيد امير حسين وابنا السيد حسن والسيد محمد

ولدا السيد شرف الدين وهو واخوه المرحوم

السيد

السيد

السيد امير حسين بن السيد امير عبدالحسين بن السيد امير محمد باقر

السيد امير حسين بن السيد امير عبدالحسين بن السيد امير محمد باقر

السيد امير حسين بن السيد امير عبدالحسين بن السيد امير محمد باقر

السيد امير حسين بن السيد امير عبدالحسين بن السيد امير محمد باقر

السيد امير حسين بن السيد امير عبدالحسين بن السيد امير محمد باقر

السيد امير حسين بن السيد امير عبدالحسين بن السيد امير محمد باقر

السيد امير حسين بن السيد امير عبدالحسين بن السيد امير محمد باقر

السيد امير حسين بن السيد امير عبدالحسين بن السيد امير محمد باقر

السيد



تاریخ در شهر مشهد

تعالی حضرت سیادت و نجابت پناه محقق و معارف اکامه فاضل عالم عامل
رسید علی بن میر محمد اسمعیل مشهور به شیخ المصطفی اصفهانی در روز شنبه
در محله فی رسته هزار صد نشت بهر روضه یافت ع الله

فوت مرحوم میر عبد القیوم ابن مرحوم
میر محمد مصدوم در روز شنبه غره
البیادین

تاریخ در شهر مشهد

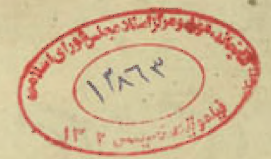
محمد اسمعیل ابن علی رضا ابن میرزا جابریه علی ابن عماد الد
و غیره

و غیره

و غیره

و غیره

Handwritten notes in Persian script, including the word "مقدمه" (Introduction) and other illegible characters.



Handwritten notes in Persian script, including the word "مقدمه" (Introduction) and other illegible characters.